



ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال سوم نیمه دوم اردیبهشت ۱۳۶۸

امید غرب و تروریسم دولتی

رفسنجانی در نماز جمعه روز قدس با وقاحت تمام مدعیان له شاعرها و جاجا روجنجال با کردنیهای امام درمانده اش را گرفت. او در آتروزیبا صلاح فرمان داد که فلسطینیها میباید در آتروزیبا هریک شهیدی که در مقابل بله با اسرائیل میدهند پنج نفر از اتباع آمریکا و کشورهای اروپائی را ترور کرده و بیا بگروگان گیرند. و با این ترتیب با جابجایی رهبر "درصدورفتوای قتل سلیمان رشدی گذاشت."

این سخنان رئیس مجلس فقها و اکثت شدیدی در افکار عمومی کشورهای مختلف و خصوصا در میان دولت های کشورهای غربی برانگیخت. سازمان آزادیبخش فلسطین این سخنان را محکوم کرده و اعلام نمود که فلسطینیها هیچگاه به توصیه های فقها برای مبارزه با شان نیازی نداشته و ندارند. روزنامه ها و رسانه های همگانی با حیرت تمام این موضعگیری را وسیع منعکس نمودند. خصوصا از اینکه مردم محبوب غرب بعضی کسی که بعنوان رهبر واقع بین و "معتدل" معرفی شده بود چنین حرفی زده در ابتدا شوکه شدند. دولت های آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان فدرال شدیداً این موضعگیری را محکوم کرده و خواهان

انتقادها صبری بر علیه آن شدند. ژاپنیها هم بنابر مجبوری به تذکرنا رضا بختیان به سفیر فقها در آن کشور گردیدند. این موضعگیری تا آن حد رسوا بود که روزنامه ها ارگان حزب دمکرات مسیحی آلمان فدرال یعنی حزب حاکم بر آن کشور در یک مقاله تند آنرا محکوم نموده و حتی عنوان نمود که رژیم فقها بدترین و سیاه ترین دیکتاتوری موجود چنان است.

بعد از ماجرای سلیمان رشدی و بگیری همان مشی تروریستی از جانب رفسنجانی که چنانکه خواهیم دید نوعی شاخ و شاخه کشیدن برای امپریالیسم هم بود. دولت های غربی بنا بر دینا بتهای فقها در ایران و قتل عام زندانیان سیاسی هم افتاده اند. این سالوسان که در آن مقطع کمترین حرکت را علیه فقها انجام دادند حالا سبب آوری قتل عام زندانیان و ابرار رنگرانی نیست به وضع حقوق بشر در ایران برای هر چه رسوا تر کردن و تحت فشار گذاشتن حکومت اسلامی از آن استغاده میکنند.

بهر حال فشار دولتهای غربی که بمسئورت هماهنگ و یکپارچه اعمال میشود و انعکاس وسیع آن در رسانه ها، کار خود را کرده و رفسنجانی در روز ۲۲ اردیبهشت طی یک مصاحبه را دیوتلوویزیونی با خبرنگاران ایرانی عقب نشینی کرد. او اعلام

"سیاست بازسازی" روی کاغذ

دراواشل اردیبهشت ماه شورای عالی بازسازی آئین نامه "سیاستها و الوبتهای بازسازی مناطق جنگ زده" و بخشهای آب، کشاورزی، انرژی، نفت، مسکن و شهرسازی، معادن و فلزات، راه، حمل و نقل و سیاستهای شعادل بخشی و تمرکززدایی و همچنین "نحوه سرما به گذاری و مشارکت مردم در واحدهای تولیدی" و "طرق تامین ارز مورد نیاز طرحهای بازسازی" را تصویب و در اختیار نخست وزیر گذاشت. قرار است نخست وزیر فقها بر اساس این آئین نامه شورای برنا مریزی را هدایت کرده و برنا مریزی ساله را که مورد بحث است، تهیه کند.

با یک نگاه به لیبست فوق، اگر کسی رژیم فقها و بحران خادومرگ زای آنرا نشناسد، خواهد گفت که حضرات بالاخره راه و روش خود را پیدا کرده و آنطور که سردمداران آن مکتوبند، در سایه نجات و تحکیم

در صفحه ۲

در صفحه ۲

چگونه توزیع ادبیات سازمان را گسترش دهیم.

جنبش کارگری در صفحه ۱۲ و مدل گروهای سرمایه داری

گزارشاتی از برگزاری اول ماه مه

در صفحه ۸



اعلامیه کمیته کردستان

در صفحه ۱۶

ما رش عزا در برلین غربی

در صفحه ۶

مصاحبه با نماینده

در صفحه ۶

کنگره ملی آفریقا در سوئد

از مردگان گذشت

در صفحه ۱

سخن از مرده داران است!

نوده ای ها

در صفحه ۴

"سکتا ریسم" ما

استاد عبادی جایزه را نپذیرفت

در صفحه

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

امید غرب و تروریسم دولتی

از صفحه ۱

نمود که اولاً منظورش توصیه برای تروریسم دولتی بود و با بخطر افتادن جان بی گناهان مخالف است! و ثانیا این موضع شخصی او بوده و ربطی به موضع رسمی حکومت اسلامی ندارد! این یعنی آنکه نژادار کل اسلام "دمش را روی گولش گذاشت و با زسنان بی زبانی گفت غلط کردم، ما هنوز مدعیان دست بردار نیستند، وزارت خارجه انگلیس این اظهار نظرا خبرا کافیه ندانسته و خواهان موضع گیری رسمی جهت پس گرفتن صحبت رفسنجانی و دستورات مشابه آن (مانند فتوای قتل رشتی) شده است.

قبل از آنکه ببینیم چرا رفسنجانی "عاقل"، کسی که استرا تژومعاً با زسازی رابطه بسیار مبریا لبسم و حتی امریکا بوده و از این طریق میخواهد حکومت ورشکسته را نجات دهد، مجبور به اتخاذ چنین موضعی شده این عمل او که امر را برای چندمین بار در وضعیت کنونی رژیم اسلامی به تسوت رساند و با قاطعیت مورد تأیید قرار داد: عمق و شدت بحران حکومت و درگیریهای درونی حکومتیان در حدی است که هر موضعی میتواند در اثر تسوازان نیروها بغوریت به ضد خود تبدیل شود، همچنین در این حکومت بنا بر روی که جز ما نوربین طبقات و دستجات و نیروها نمیتوانند حرکت کنند "تندرو" می میتوانند "واقع بین" شود و هر "عاقلی" میتواند چون دیوانگان عمل کند. اگر چه در پیروی از بسک برنا مهابا هم اختلافات زیادی داشته باشد اما در برخورد مقطعی با یک بحران حادثه عمیق و حه تشابه نیروهای متناظر با این حکومت استفا ده از تا کتکهای

از صفحه ۱

سیاست بازسازی روی کاغذ

نظام اسلامی برنا مهابا زسازی همه جا شبه شروع میشود اما اگر کمی بیشتر روی این برنا مهابا مل کنیم روشن میشود که این دست بخت حضرات چه آینده ای داشته و همچنین موجد چه برکتی خواهد شد.

مهمترین فصول این آئین نامه که هم جهت گیری اساسی آنرا تعیین میکنند و هم مسائلی را مطرح میکنند که در طول حیات این رژیم بحرانهای همیشه موند منازعه و دعوی حضرات بوده است، همان فصول "نحوه سرمایه گذاری و مشارکت مردم در واحدهای تولیدی" و "طریق تامین ارز مورد نیاز طرحهای بازسازی" است. آئین نامه در مورد نحوه سرمایه گذاری "مردم" میگوید: "بخش عمومی شامل (وزارتخانه ها و موسسات دولتی و بانکها و شرکتهای دولتی و سازمان صنایع ملی و...) مکلفند کلیه واحدهای تولیدی خدماتی و بازرگانی تحت مالکیت خود را به استثنای واحدهای مهم و استراتژیک ظرف مدت مشخص از طریق مزایده عمومی و با عرضه سهام مربوطه در بورس... برای فروش به مردم عرضه نمایند." ۳ - "دولت

همان است، اینگونه حرکات خصوصا در مورد عناصری که در جا بجا ه ملی رهبری قرار دارند و میگویند که خود را بر فرا ز دستجات موجود قرار دهند، در توازنهای مشخص نیروهای درونی حکومت، همیشه قائل انتظار است. و در تمامی موارد یک هدف دنبال میشود و آن کنترل نیروهای درونی و فائق آمدن بر موانعی است که حیات حکومت را زیر ضرب میبرد. از این لحاظ این حرکت علاوه بر آنکه نشان دهنده رفسنجانی هم میتواند دیده ترا ز محتشمی "انقلاب" ما در کند، سن بستیا یر ژیم که دیگر ناچار است هر روزه از حربه ترور دولتی، که خود چون جاقوی دوله دستش را میبرد، استفا ده کند راه نشان داد.

اما رفسنجانی زبانی این موضع را میگیرد که قانون اساسی در حال تجدید نظر قرار گرفتن است با این هدف که اختیارات متمرکز در تریا در شمس جمهوری کارگشای مشکلات فقها شود، و کاندیدای بسن بست کمی جز رفسنجانی نیست. او و کمی است که در جریان رابطه گیری با امریکا که از جانب بیست منتظری "افشا شدنش سر کرده و معما را داشته و علاوه بر آن بعنوان چهره محبوب امریا لبسم قلمداد شده و لاجرم همه آبروی نداشته اش در مهابا زه ضد امریا لیستی را زنده امت حزب الله از دست داده است. علاوه و در نقش استرا تژیا زبانی، برنا مهابا های دورو درازی جهت به حلقه رفتن با عروس سرما به دارد و این مابعد مقابله چشمان از حقه در آنده "مستظنان" و حامیان تندرو آنها در میان حکومتیان انجام گیرد. تندروانی که در رنگ درونی قدرت و در مقابله با حناح منتظری و غیره آنقدر بیرونال داده شدند که خود خمینی در نقش مرد اول "مدور انقلاب" فرمان قتل سلمان رشتی را داد تا اجازه ندهد "حنش مستضعفان"

مکلف است لایحه و یا لوایح لازم را بمنظور تامین امنیت سرما به گذاری مردم در امور تولیدی و ایجاد زیرساختها و مشورتیای لازم در این زمینه از قبیل قائل شدن معانیتهای مالیاتی... تهیه و براری تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. هم چنین در مورد طرق تامین ارز مورد نیاز طرحهای بازسازی میگوید الف - شپا تر ب - حساب مخصوص ج - یوا زنی حداقل دو ساله د - پیش فروش محصولات هروا حد که ما زاد بر نیاز داخلی باشد. ه - استفا ده از منابع خارجی در چپا رچوب مقررات و ضوابط وزارت امور اقتصادیه یعنی بطور رسمی اعلام میشود که اختیارات دولت و مالکیت آن بر تولد و افتصادگانه های یافته و میدان برای فعالیت بخش خصوصی آماده میشود و از طرف دیگر اخذ وام و اعترار از منابع خارجی مجاز شده و پذیرفته میشود. این برنا مهابا اصطلاح بازسازی با تکیه بیشتر به سرمایه داری در داخل و بازار امریا لیستی و به قیمت سخت تر کردن فلاکت و پائین تر بردن سطح معیشت کارگران و زحمتکشان و تضمین سود امنیت سرما به گذاری سرما به داران است همان سیاست بازسازی است که از جانب رفسنجانی و خا منهای از بعد از "خوردن زهر" آتش بس جا زده میشد، و این همان برنا مهابا ستی است که از جانب موسسوی نخست وزیر و جناح تندرو که خواهان حل بحران به شیوه یک اقتصاد متمرکز دولتی ارتجاعی و شعاری

از او نامید شود. پس رفسنجانی هم اگر میخواهد به آرزوهای دور درازش (۱) برسد نمیتواند به آسانی با بر روی سر "تندروان"، خصوصا در مرحله کنونی قدرت آنها، بگذارد و لذا با جابجایی "مام" خود میگذارد و فرمان ترور رسمی صادر میکند.

از سوی دیگر هنوز نه تنها امریا لیستیا در آن حدی که فقها نباید از رند سرکس را شل نگردانند، بلکه در کش وقوسی مجادلات مربوط به قرار داد صلح با حکومت عراق با در مهابا نی نگرده و گریبان آنها را از جنگ عراق در نیا ورده اند. حکومت اسلامی در پی آنست که امریا لیستیا در این مجادله به کمک او آمده و غا ثله را بنفع او ختم کنند. اینهمه عا ملسی است که فقها بفقروعی هیا هوی ضد غربی و حتی ژست نزدیکی به شرق بر آنده تا شا بد معادلات را به نفع خود بر هم زنند. اما واکنش شدید امریکا و دولت های اروپایی باعث شد که حضرات دست و پایی خود را جمع کرده و به نادریستی ارزیابی خود در این مورد سرند.

چهارمین حرکت وجه حرکت مربوط به سلمان رشتی هر دو خلاف جهت سیاست اتخاذ شده توسط جناح مسلط حکومت فقها در بعد از آتش بس بوده است. این حرکات راه نزدیکی به امریا لیستیا را با مشکلات مهمی روبرو میکنند و این مسئله ای نیست که از دید امثال رفسنجانی پوشیده باشد. اینک چرا او چنین میکند بر سه در موضوع مهمتری دارد و آن همانسان بحران حکومتی و حیات و ممات آنست. اول با بد حکومت آنها بماند تا بعد از بطنه ما غرب مطرح باشد. تا بعد از "بازسازی" موضوعیت با سد و غیره، این اما نشا نگر حداث بحران در کشور است که خصوصا تشدید استرا ای آنها در دورا خیر می رود که حماس تر شود.

ضد "استکباری" هستند، مورد مخالفت قرار گرفته بود. موسوی در آن دوره گفت که مشارکت بخش خصوصی را در حد بیش از ۲۰ درصد تولید و اقتصاد نمی پذیرد و با اخذ وام از خارج هم مخالف است. و این موضع به اشکال مختلف از جانب همه عنا صرحناح با اصطلاح تندرویان شده است.

این برنا مهابا بین خط مشی در زمانه میخواستند هدیه جریان افتد که در اشرفعل و انفعالات درونی حکومتیان، نقش و وزن تندروها افزایش یافته و این آنها هستند که با درست داشتن اهرمهای اجرائی و نفوذ در مجلس با بد آنرا جاری کنند، و این چیزی جز تدایم و تعمیق اختلاف و لاجرم اخته و فلج کردن برنا مهابا هدی بود. از طرف دیگر در فضای بحران که سنگ روی سنگ بند نیست در موقعیتی که "قائم مقام رهبری" را امینیتی نیست، دعوت از "مردم" برای خرید موسسات تولیدی و سرما به گذاری چه با سخی خواهی یافت؟ بی جهت نیست که حضرات برای رفع موانع، مادهای تصویب کرده اند که ضمانت های لازم برای امنیت سرما به "از طریق تصویب لوایح لازم توسط مجلس ایجاد کند. اینهمه اما آب در دهان کوبیدن است و اگر آنهمه هیا هوی بازسازی که بعد از پذیرش آتش بس بلند شده بود چیزی جز با دها نبود، تصویب سیاستهای آن و بر روی کاغذ آوردنش اگر برده منتهای اختلافات گرهگشا نیا فزاید، جز توخی نخواهد بود.

چگونه توزیع ادبیات سازمان را گسترش دهیم .

الف : توزیع ادبیات سازمانی بمناسبت وطنه و روتین حزبی

ادبیات و انتشارات تک سازمان کمونیستی برانگیختن و دامن زدن به استکبارنه تنها نیروهای سازمانی، فعالین و هواداران گروههای سیاسی، بلکه توده های میلیونی همه ستمکشان و لگدمال تندگان را هدف خود قرار میدهد، برای اینکه تبلیغات ما در خارج از کشور در بادهای پدید نیفتد، برای اینکه تبلیغات در خدمت سازمان ندهی و در راستای اجساد سنگرهای توده ای و رهبری آنها موثر واقع شود، باید مستفما و بلاواسطه سراغ توده ها برود. گسترش از ترقه کرائی بیویولستی و روی آوردی به سازمان ندهی آگاهی جمعی در میان طبقه کارگر و همه زحمت کشان و لگدمال تندگان، در گروسی های اساسی در شیوه کار و اسباب سازمان ندهی را طلب میکند. ضرورت دیگر گونی و ارتقا در توزیع نشریات سازمانی ما از جمله استیانت، سازمان ما که مدتیست با اشتقاد از خود کمونیستی، می پسویولستی را مورد نقد قرار داده و بیستنا زبنا که کمونیستی شده و در مسدود ن حکم و سرقراری سک کار اصولی در سرتیک مار - راتی خود است، در این حوزه (توزیع انتشارات سازمانی در خارج) نیز که ارتباط تنگاتنگی با شیوه ها، اهداف و مضمون تبلیغ و ترویج سازمان - گری ما دارد، با تدوین خود را ارتقا داده و وسک کار کمونیستی و حزبی اتخاذ کند.

وقتی که پیشبرد سبک کار کمونیستی بمناسبت نهفتی در سازمان ما جریان پیدا کرده و مسرود که خود را کاملاً جاگیر نموده، طبیعی است که مسایید در اشکال و شیوه های فعالیت ما هم تحول ایجاد کنند. وقتیکه ارگانهای محلی و منطقه ای سازمان در سابه مفا در سنامه و ضوابط اساسنامه هویت حزبی - کمونیستی پیدا کرده و قادر میگردند را سنامه کار ر دوره ای خود را در محیط فعالیت خویش طرح و به اجرا در آورند، می سابد این هویت حزبی - کمونیستی - سسه تک تک آنها در کمونیست تشکیل دهنده واحد های پایه و حوزه ها تری یابد. همزمان با تعیین وظایف حوزه ای، جمعی، گروهی و فراکسیونی، وظایف فردی نیز مشخص میشود، از این روموادی از سنامه که دیگر تنها از طریق فعالیت گروهیهای کار، فراکسیون و حوزه پیش ترفته بلکه به فعالیت فردی و کمونیستی هر عضو هوادار سازمان بستگی پیدا میکند، می سبستی بعنوان وظایف و وظایف روتین هر عنصر حزبی در آمد، البته در اینجا وظایف روتین حزبی در کلیت خود مورد توجه ما نیست، بلکه جزئی از آن که تبلیغ، ترویج و سازمان نگری با استفاده از همه ترین ابزارهای آن چون "راه کارگر"، "پیام کارگر" کتابها و نشریات تئوریک سازمان در رابطانحوه، توزیع مورد نظر است.

وقتی از وظایف روتین حزبی در مورد توزیع و آبیونمان فردی و مستقیم نشریات سازمان صحبت می کنیم، بدین معنی است که هر عضو سازمان موظف

و هر هوادار سازمان تشویق مسود که بطور رور مره با تبلیغ در برامین خود، در محیط دین، کار و زندگی بای انتشارات سازمان خواننده پیدا کرده و با آبیون کردن آنان به این رابطه انتظام میدهد، موفقیت در این حوزه سانه توانائی و هنر سازمان نگری هر کمونیست است و طبیعتاً ساد بطور مرتب کم و کیف آن به حوزه حزبی مربوطه گزارش شود. این وظایف در گسترش توزیع نشریات سازمانی سهیوجه بمعنی روگردانی سه مماله نیست، بلکه از مضمون تبلیغ و ترویج وسک کار کمونیستی این نشات میگردند که سازمان ما در پیش گرفته است. این نه تنها موجب گسترش جدی توزیع نشریات سازمانی، افزایش خوانندگان آن و دامن زدن به استکبار و آگاهی انقلابی و کمونیستی در سطح توده ای میگردد، بلکه یکی از راههای بسیار مهم اجرای شعار "عطف توحه به سرون"، در آمدن سازمان در خود در خارج از کشور، تبلیغ و ترویج در میان توده های بنامه که معمولاً در محیطهای محدود و دانشگاهی حضور پیدا نمی کنند بوده و مسناتی برای سازمان نگری توده ای است.

غیر از موارد بالا در گسترش توزیع نشریات سازمانی بعنوان وظایف روتین و روزمره، حزبی هر عضو سازمان که طبقه اصلی است، راههای دیگری را هم میتوان شمرد که بیشتر از حسه های فنی و استعدادهای مکانات موجود در محیط فعالیت در سازمان ندهی توزیع ادبیات سازمانی مورد نظر است.

ب - استعدادهای مکانات موجود در محیط فعالیت در خارج

در شهرهای بزرگ کشورهای اروپائی که معمولاً محل تمرکز وسکونت بنامه تندگان و دانشجویان ایرانی هم هست، کتابفروشی ها و با روزنامه فروشی ها ئی وجود دارند که محل مراجعه سنتی حبه های آن کشور و محل تردد ایرانیان مترقی و دمکرات است. غیر از این در سلهای اخباری موجود پناهنده گی، کتابفروشی های صرفاً ایرانی در بعضی از شهرهای اروپائی و امریکائی توسط عناصر مترقی و دمکرات دار گردیده اند، که حاضرند در مقابل واگذاری در صدی از قیمت نشریات و کتابها، به عرضه آنها سبسا بپردازند.

در اغلب کشورهای اروپائی و حتی در عقب مانده ترین آنها مانند ترکیه، یونان و پرتغال شرکتی بزرگ بخش و توزیع محلات و روزنامه ها وجود دارند که اغلب بلحاظ کمتر دگی مثل تراست های بین المللی عمل میکنند. هزاران نشریه بزرگ و کوچک که در این کشورها، روزانه، هفتگی و یا ماهانه منتشر میشوند، سازمان ویژه، توزیع و بخش ندارند و اکثریت آنها ساقا در سداشتن چنین سازمانی توزیع نیستند. مثل نشریات کوچک جنب و یا نشریات غیر معروف بورژوازی، که همگی از طریق همان شرکتیهای توزیع و بخش در سطح کشوری و بین المللی بخش میشوند. مثلاً در روزنامه فروشیهای

مرکزی و مراکز راه آهن هر شهر اروپائی، نشریات زیبا نهی مختلف از جمله یکی دوشتره فارسیسی زبان که از طریق همین شرکتها توزیع میشوند یافت میشوند. رفقای ما که در همه شهرها و کشورهای اروپائی حضور دارند و می توان سدها سدها سدهای می ساسنی را س: مکانات که در سلاشتر دسبم برای توزیع نشریات سازمانی ساعده کنند.

اگر بخواهیم بصورت مواد سنامه ای اشکال گوناگون توزیع و فروش نشریات سازمانی را سراسر اسان الوبت و اهمیت فرموله کنیم، جزئی سسه موارد زیر سراجا همدود، روشی است که رفقا سبکار خود را ملاحظه و سزگنیای محل فعالیت خویش سده این مواردی سوان سده سده:

- ۱ - آبیون، مستقیم، فردی، سنوان و طعه رور مره و روتین حزبی
- ۲ - سرفراری سرتلیستی و فروش سنامه در مراکز شهرها و محلهای تردد ایرانیان و در سسکا همپا که تا حال هم سجام سده و هنوز هم سنوان یکی از مراکز سنتی حبا انتقالی ساد حفظ گردد.
- ۳ - سرددن فروش نشریات به کتابفروشیها و روزنامه فروشی ها، در مقابل درصدی از فروش.
- ۴ - توزیع از طریق شرکتیهای بزرگ حبه در سراسر اروپا و امریکا در روزنامه فروشیهای مرکزی و بین المللی شهرهای بزرگ.

بازتاب صدور فتوای

قتل سلمان رشدی دروین.

دسسال صدور فتوای قتل سلمان رشدی که به افشای هر حسه سبتر ما هیبت تروریستی رژیم جمهوری اسلامی منجر گردید، در تریش سزاقدمات افشا - کرانه ای از طرف افکار مترقی این کشور سبب سبب نویسندهگان و هنرمندان و سبب سزخی از افشاد مترقی ایرانی انجام گرفت، یکی از این برنامها برگزاری یک شب سخنرانی و قرائت سخنانی از کتاب مزبور بود که سبب تهدید به سبب گذاری و قتل برگزار کنندگان این برنامه از طرف عوام مسل سفارت ایران و مرتجعین عرب، افغانی و سترک مقیم وین لغو گردید.

پس از آن در اعتراض به هتک حرمت آزادی بیان و قلم و اندیشه و افکار مترقی اترشی و خارجی از طرف سزخی احزاب اتریشی، ÖVP و FPÖ و سببها بطور سببلیک در برنامان اتریشی بخشائی از کتاب مزبور خوانده شد و بلاخره در روز ۵ ماه مه در جلسه دانشگاه وین جلسه قرائت بخشائی از کتاب "آیه های شیطان" بوسیله ایرانیان مترقی و نویسندگان مترقی اتریشی و با شرکت نمایندگان احزاب اتریشی برگزار گردید. در این برنامه که با حفاظت بیش از ۲۵۰ پلیس انجام گرفت عناصر حزب اللیهای بهادان شعراهای از جمله "مرگ بر سلمان رشدی" ... "پیدا خشنود و سبب خود را در آن محل برگزار کردند!

توده‌ای‌ها و

"سکتا ریسم" ما

گلبرخ نشریه هواداران حزب توده ایران در خارج از کشور، در شماره‌های با نزدیک به ۱۹۸۹، سابقه درخشان و نوشتاری به بررسی احتمالی و نقد دیدگاه‌های "پیمانکارگر" در رابطه با "اتحاد عمل" و "سویزه" اتحاد برای دفاع از زندان‌نمان سیاسی "سرداخته" است. شکل سرخوردن و نیز مضمون مطروحه در این نوشتار، حاوی نکاتی است که آثار تاریخی به نادرستی و ناسامروسطی آن نکات را ضرور مینماید.

نوشتار سه‌سابق همیشگی حزب توده، سرما راز پیرایه‌های فرهنگ "توده‌ای" است، فرهنگی که عوام‌فریبی سیاسی هسته‌ای اصلی آنرا تشکیل میدهد. در این نوشتار، و با سوءاستفاده از آموزش‌های لنینی به ما با عتاب‌پندآموزی شده است که در تئوری از "کج اندیشی‌های ذهنی" و "دنیا‌ی تحریف‌ت‌گوشا" با شیم و "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" - سخنان تئوری دفاع از ما ضدا میربالیست - را منسبای تدوین خطوط سیاست روز خود قرار دهیم و احساس مسئولیت بیشتر نیز در قبال جنبش انقلابی کشورمان بکنیم... !!

اگرچه اینگونه سرخورد‌های پیمان‌گونه از سوی حزب توده پیمان‌بسته نبوده و نیست، اما حدیسی انتحالی و کج اندیشی، آنهم پس از آن همه رویدادهای غم‌انگیز آذربایجان که حزب توده نقش مهمی در بروز آن داشته، سراسری که نمونه و راست، حزبی که شخص اعظم رهبرانش - و به تبع آنها بختی از نیروها پیش - در پیروگان و عمل‌ها کرده‌های سازگاره یکی از مدغم‌ترین، ضدا انقلابی ترین و ضدشتری ترین حکومت تاریخ شدند چگونه بخود اجازه میدهند که دیگران را به آموختن "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" و "احساس مسئولیت بیشتر" فرا بخوانند. آیا اینگونه روش‌ها جز اینکه آدمی را به یاد "سنگ‌های قزوین" بیا نندازد و نیز تلخی طنز تلخ و سیاه حضور جنبش خریانی در جنبش پیمان‌فزا بد، منتها، اثر دیگری خواهد بود؟

در این "نوشتار" جمالی "نویسندگان نشریه گلبرخ علاوه بر ارائه‌های دیگری از فرهنگ "توده‌ای"، ما را به دلیل با یکوت حزب توده سکتاریست خوانده‌اند. اینتا به ما توجه داده‌اند که نقد ما به سیاست اشتقاقی کومله و شرط اشتلاف سیاسی کومله با ما، در واقع نقدی است که میباید به مضمون اشتقاقی خودمان نیز داده شده باشد، چرا که به اعتقاد نویسندگان گلبرخ راه‌کارگر نیز همان مضمون کومله را، که سکتاریستی میخوانند، خود بیگانه می‌بندد. روی این تحلیل و ارزیابی کمی مکتب می‌کنیم تا مساله روشن تر شود.

سیاست اشتلافی ما در رابطه با سازمان‌های سیاسی مختلف و مضمون ما در چارچوب تشکیل‌های دمکراتیک در حال حاضر روشن است. بویژه در رابطه با حزب توده دلائل و معیارهای مان نیز روشن است - ما در حال حاضر با نیروهای که به ما دور زبیم سلطنتی و فقیه‌ها همکاری کرده‌اند، نه ارتباط برقرار

کرده‌اند و نه اشتلاف می‌کنیم و نه حتی یک لحظه از افشای بی‌امان خیانت‌های آنها کوتاهی می‌کنیم. مگر اینکه بطور علنی از اعمال خیانت با خود انتقاد کنند. سیر و این سیاست در مورد حزب توده کومله فریاد و وحدت طلسمی از چیزی جز برخورد‌های روان - شناسانه و پراگماتیستی برای خروج از انزوا نیست، صدق میکند. آنهم در شرایطی که بحران تمام تا روی بود حزب با اصطلاح "تراز نوین" را فرا گرفته است، فشار سیاسی ما به تقویت نیروهای مستعد و با لگو و آن و انزوای خط مشی و رهبری خیانت‌پیشه‌اش می‌انجامد.

بنابراین معیارها روشن است و با سوءاستفاده از زخون شهدا، و به رخ کشیدن "کمیت‌شنی" توان برای اشتلاف سیاسی مشخص معیار تراشید، چرا که ضمن ابراز احترام عمیق به شهدای جنبش، با بدبگوئییم این معیارها را "ولی فقیه" هم‌دارد. مساله در گذشته نیز اعلام کرده ایم که با یکوت نیروهای سیاسی در رابطه با اشتلاف سیاسی را بر نصیب نمی‌دانیم. اما در شرایط مشخص و نیز در رابطه با نیروهای معیسی، با یکوت را حرکت مشخص سیاسی و انقلابی میدادیم، در مورد حزب توده، بدلائلی که گفته شد حرکتمان جنبش و ویژگی‌ای دارد، حزبی که بحسبای انتقاد از برنامه ضدا انقلابی حمایت از رژیم فقیه‌گامان ادعای "علمی و انقلابی" بودن تحلیل خود را دادند، یعنی هنوز دم خود را به مسند حکومت اصنام ضدا میربالیست می‌بندند، و با زهم‌حضرات در بندر بدنیال نیروی متحد در میان حکومتیان می‌گردند و در نتیجه صلح و آزادی خودگرسی خالی "نیروهای پیرامونی حکومت" را برای آنها محفوظ میدارند، و اگر یکبار مسیر "پیروان ضدا میربالیست" ما را فرس کرده‌اند، اینبار بطور سراسری با سینه‌زدن برای سوز و آزار "جنبه صلح و آزادی" راه را برای آنها آب و حار می‌کنند.

اما بحث ما با کومله سرچشمه؟ کومله اشتلاف سیاسی با ما را شروط به سیاست اشتلافی ما با ما بر نیروها، و از جمله قطع مباحث مطروحه از سوی ما در رابطه با سازمان فدائیان خلق ایران، میکند. ما چنین درک و مضمونی را سکتاریستی میدانیم، چرا که مشروط کردن این یا آن سازمان به سیاستهای اشتلافی خود، هسته‌ای اصلی این درک و مضمون است. آنهم در رابطه با سازمانی که نسبت به عملکردهای خیانت‌بارش دست به انتقاد علنی زده است. در واقع بحث ما با کومله، بحث بر سر رابطه با نیروی ست که از تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی "خیانت‌بارش" دفاع نمی‌کند و آنرا علنی اعلام نموده است. حالا، کجای این بحث با نکات مطروحه از سوی "توده‌ای" ها خوانا می‌دارد، که نویسندگان گلبرخ با تاکتیک "خلط مبحث" تلاش میکنند از این مضمون برای خود کلامی بسازند؟ حزب توده میگوید که ما هم آنها را بدلیل تحلیل‌شان و سیاست اشتلافی‌شان با یکوت کرده ایم و ما مدافرا موش می‌کنند که سیاست اشتلافی آنها مربوط به اشتلاف درون نیروهاست، اپوزیسیون نبوده بلکه قر! رگرفتن در خدمت ضد انقلاب حاکم بوده، بجای آن از صف انقلاب به ضد انقلاب بوده و البته این برای حزب توده تفاهت‌ساز

ندارد چون هنوز دل در گرو همان حکومت دارد! نویسندگان گلبرخ، برای آنکه نشان بدهند راه‌کارگری‌ها معیار طبقه‌ای، سیاسی و تاکتیکی برای اشتلاف‌های خودندارد و در این رابطه هم "تئوری‌ها و تحلیل‌های علمی و انقلابی" تکیه ندارند! به اصطلاح "صح‌گیری" کرده‌اند و در مورد نیروهای پیشین راه‌کارگری برای اشتلاف‌های سیاسی و نیز حساسیت دمکرات‌گراستان نکاتی را طرح نموده‌اند. "توده - ای" ها با تثبیت به همان فرهنگ برای این عقیده‌اند که آنها تنها خیانت نکرده‌اند، بلکه در میان نیروهای پیشین راه‌کارگر، نیروهای دیگری که خیانت نکرده‌اند، حضور دارند! و با زحمات فرا موش می‌کنند که اگر بر فرض هم چنین نیروی وجود داشته باشد، دست به انتقاد از خود زده، و این سرای ما معیار رکامه‌ی نیست.

در رابطه با حزب دموکرات‌گراستان نیز نویسندگان گلبرخ از آنکه حزب دموکرات در مجموعه نیروهای پیشین‌های نیست، دچار مسئله شده‌اند!! اینک چرا حزب دمکرات در این مجموعه نیست، روشن است. ما در اشتلاف‌های سیاسی خود، اصل را بر عقیده دانشی نمی‌گذاریم، اصل بر تاکتیک و فعلیت سیاسی وضعیت مشخص نیروی مورد اشتلاف است. و بنا بر این نیست نیست نیروهای مورد اشتلاف در همه حال ثابت و یکسان نیست. اما این حرف بگوش کما شیکه بسا "تحلیل علمی" افسار خود را بدست خورده بورژوازی محبوب "بعنوان متحد طبقه‌ای و ذاتی میدهند و همب بدنبال قدرتمند، و "نیروهای برعهده" روان‌سند، نخواهد رفت و طبعا غیر علمی و غیر طبقه‌ای جلوه‌گر میشود.

معیارهای ما برای اشتلاف سیاسی روشن است، درست به همان اندازه که علت عدم پذیرش اشتلاف با حزب توده ایران از جانب ما واضح است، و بحث ما با کومله نیز، بحثی است جدا از آنچه که "توده‌ای" ها به ما میدهند، استفاده به آن متشبث شده‌اند. البته ما نگران این نیستیم که توده‌ای‌ها ما را سکتاریست می‌نامند، چرا که امروزه همگان، حتی نویسندگان گلبرخ، میداندند که درقا موش و فرهنگ "حزب توده" مفاهیم و مقولات در شکلی متضاد با اصل و فعلیت خود بیگانه می‌روند. در این فرهنگ، نظم در اصل و فعلیت خود همان ضد علم است و ضدا انقلاب نیز همان انقلاب است. بنابراین تردیدی نیست در این منطقی ما هم میتوانیم و با یکوتاریست با شیم!

آلمان فدرال - بین

کنفرانس در افشای رژیم اسلامی

بدعوت هواداران سازمان ما و گروه‌ها و کمیته‌ها یک نشست در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ در شهر برلین برگزار شد. این برنامه شامل سخنرانی درباریه وضعیت حکومت اسلامی و دهسال حکومت سیاه آن و نمایش فیلم بود.

تصحیح و بوزش

در نقد "تنها ما هیما... منتشره در شماره ۴۱ در صفحه ۵) با راگراف سوم بطور سوم کلمه "عللی" به اشتباه "علمی" چاپ شده است که تصحیح میگردد.



تازه‌های فرهنگ و هنر

استاد عبادی جایزه را نپذیرفت

موسی رنگناهی، استاد موسیقی بلوچی، در شب اعطای جوایز، استاد عبادی، آنگاه که جایزه دکتری خویش را سپهره دسته‌گلی از مسخک دریافت نمود، آنرا همانجا بر روی صحنه گذاشت و صحنه را ترک نمود، گردانندگان برینا مهر قفسدر مداخل کردند تا استاد عبادی بزه‌اش را با سن خصال که فراموش کرده، بر دادرولی عبادی حتی به صدای آنان نیز برنگشت و نهایتاً جز سه روی دست رژیم ماند.

استاد عبادی که دیگر مردی است بیروفرسوت فردی است صاحب سبک دریدا هنرنوازی سنا روجیره دست ترین شخص در این عرصه، او فرزند عبداللله خان از دیگراستادان موسیقی ایران است.

هنگامی که عبادی عازمان صحنه تالار وحدت را ترک میکرد، تعداد دکتری از مردم حاضر در تالار رودکی از عکس العمل او در قبال حازه افتخاری رژیم، اشک تحسن از دیده فروریختند و به استاد آفرین‌ها فرستادند!

معرفی نشریه

"بهاران‌های فصل سرد" نام یک نشریه فرهنگی، هنری، اجتماعی است که در جنوب سوئد از جانب دست‌اندرکاران ایرانی منتشر میشود. شماره ۲ این نشریه که تاریخ اردیبهشت ۱۳۶۸ را دارد، شامل یک مقاله دربارۀ انقلاب انفورماتیک و تانیر آن بر باریار کار، یک مقاله کوتاه دربارۀ سازه‌های ارکستر سمفونیک، آثاری از بلخانف (هنر و زندگی اجتماعی) و کورت بوخولسکی (قصه کوتاه ما هیگبریا تقوا)، منظومه ترانه‌ای بر کرانه تنبید از حسن حسام‌اشعاری از ساحل نشین، سینا، انوش و جویا است، چهار طرح از اندیشه محسن زینت بخش این شماره نشریه است.



"کانون نویسندگان در تبعید"، نخستین خبرنامه خود را منتشر ساخت، و هدف از تهیه آن را "دادن آگاهی از چکیده فعالیت‌های جاری کانون و نیز فراهم آوردن زمینه‌ای برای بیان فشرده فعالیت‌های فرهنگی اعضای آن" اعلام نموده است.



فانوس نشریه فرهنگی کانون ایرانیا ن لندن که شماره اول آن منتشر شده است، شامل اخباری از "تازه‌های فرهنگ و هنر"، گفت‌وگوها و نویسندگان ایرانی، نقد فیلم و آثاری از اشاعران ایرانی از جمله شاملو، خوشی و... است. این نشریه در هفدهم و به قیمت ۲ پوندا تکلیفی است.

او خرمال گذشته، رژیم پس از آنکه کشف نمود میتواندا هنرنیز برای تبلیغات اسلامی استفاده کند، بر آن شد تا هنرمندانی که خاشه نشینشان کرده بود به طریقی دلجوئی کند، رژیم اعلام نمود که برای هنرمندان شماره‌ای در نظر گرفته میشود که این شماره با مدارک دانشگاهی هم‌تراز و هم‌ارزش خواهد بود. بر این اساس اعلام نمود که به تن از نام آوران موسیقی ایران دکترای افتخاری اعطاء خواهد نمود، ده تنی که چه بسا سمنون "مطرب" و تیسرسار دستگیری و... نه تنها خوش‌سلگه آلت موسیقی خویش را نیز مخفی نموده بودند، اس‌ده نفر عمارت بودند؛ احمد عبادی نواز زنده‌سار، جلیل سناز نواز زنده‌سار، حسین قوامی، استاد آواز سنتی ایران، علی اصغر بیاری، نواز زنده‌کمانچه، حواد معروفی نواز زنده‌پیانو، حسن کامی نواز زنده‌نی، عثمان محمدپرست نواز زنده‌دوتار (ساز معمول در شمال و شمال شرقی ایران)، کامکار، موسفیدانسی از کردستان، سلمی، آهنگساز و نوازنده آذربایجان،

محکومیت زندان برای یک فیلمساز

علی اوزگن از مشهورترین فیلمسازان ترک است که از او فیلم "ها زال" و "سب شهرت چنانسی" کسب کرده‌اند، اسن فیلمساز اخیراً فیلمی ساخته بنام "و آب هم حتی مسوزد" که اقتباسی است از یکی از آثار رنایم حکمت، شاه‌عمر مشهور ترک، رژیم ترکیه "اوزگن" را بخاطر اسن فیلم، به اتهام "جرحه دار کردن احساسات ملت ترک و تشویق آنها به قسام" سبای میزحاکمه فراخوانده است. بر طبق قوانین ترکیه اگر "اوزگن" در دادگاه محکوم شناخته شود، دو سال با بد زندانی گردد.

این عمل رژیم ترکیه موجی از اعتراضات جهانی را سد نال داشت.

برنا مه هنری بمناسبت اول ماه مه فرا نکفورت: کانون فرهنگی لاهوتی روز ۲۹ آوریل بمناسبت ۱۵۳ مین سالگرد اول ماه مه یک سرنامۀ هنری ترتیب داد، این سرنامۀ ممل اجرای تاترتوس و تکیت را یش سوم ابربرتولست برشت، شعرخوانی توسط سعید یوسف و چندترانه‌ساز و سرود بود که مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت.

نمایش تئاتر درها میورگ

بناربخ اول آپریل بدعوت کانون فرهنگی ایران - آلمان نمایشی درها میورگ به اجرا درآمد نوشته، بهرام سبغانی کارعلی امیرسکریان، سلندرکاری از گروه نمایش را بود.

برگردان: م. بیوند

پریش ناندی

نقش بسته بر بال‌های تاریکی

نقش بسته بر بال‌های تاریکی

- جنگلی

که سایه‌های قهقهه‌زن

در آن می‌رویند.

بی‌گناهی

کوه‌رشته‌ی لاجوردی بود

که در منظر پاییزمی لرزید.

پرنده‌ای خسته

در شب

بال می‌زند

هنگام که لاشخوران

به چشم‌های خالی غبار اندود

حمله‌ور گشتند

بی‌گناهی او

یکی خورشید بود

که در رؤیاهاش با او سخن می‌گفت

و شب

استفراغ خون می‌کرد

باران بود و باران

و نجوای ستارگان

اجساد روی همان نباشته

و بیم و همناک

گرسنگی

ستاره‌ی سپیدبال مرگ را

شکار می‌کند

سپید

آتش است

در مشت من

مشتی به سان زنبق

و

کلامی نامده بر لب

که نقش بسته بر بال‌های تاریکی

به سان بال‌های پرنده‌ای درخشان

درون شب.

مما حبه با: نماینده کنگره ملی افریقا

توضیح:

رفقای ما در سوئد با نماینده ANG در آن کشور
مما حبه ای انجام داده اند که سخن اول آن در این
شماره منظر خوانندگان میرسد.

س: ممکن است تا ریخچه کوتاهی از ANG را برای
خوانندگان ما توضیح دهید؟

ج: کنگره ملی آفریقا (ANG) در سال ۱۹۱۲ برای
اتحادیه سیاه پوستان در جهت مبارزه با ناسیونالیسم
سیاهان گذارده شد. در آن زمان کنگره، ملی آفریقا
با آنکه به مسئله مالکیت زمین که توسط استعمار
گران انگلیسی به اقلیت سفیدپوستان اعطای
شده بود، گفت: سیاه پوستان (یعنی اکثریت ساکنین
آفریقای جنوبی) نمی توانند کناره نشینند و کشور
خود را به اقلیت سفیدپوستان واگذار نکنند.

در این مرحله مسئله عمده گرد هم آوردن سیاهان
حول مسئله زمین بود. بزودی شرایط سیاسی نشان
داد که فقط تمرکز بر روی سیاهان در کشوری که نژاد
های مختلفی از جمله هندی ها و ملاکوها هم در آن
زندگی میکنند، ادا مکارا مشکل میسازد. آنها نیز
مشکلات خاص خود را در رابطه با رژیم سرمایه داری
دارند. ما می بایست راهی برای شرکت توده غیر
سیاه پوستان در جهت سو خود آوردن یک جامعه
غیر نژادی می یافتیم.

یکی از مسائل اساسی اتحادیه های کارگری
بوده و میباید، اتحادیه های کارگری سفیدپوستان
توسط کارفرمایان و دولت مورد پذیرش بودند.
عضویت در اتحادیه های کارگری برای سیاه پوستان
حتی مجاز نیز نبود. برای سالیهای طولانی کارگران
سیاه پوستان مشا بهای بزرگ را در منازعه با بودند.
سیستم طوری بوده که اتحادیه های کارگری سفید،
کارفرمایان و دولت با توافق شوافر کرده بودند که
سیاه پوستان را در مذاکرات خود حساب نیاورند.
بنابراین کارگران سفیدپوستان عزیز ما بر علیه
ما سازمان با فتنه بودند تا شعل خود را در مقابل ما
حفظ کنند! ما می بایست با این مسئله مبارزه
میکردیم. هنوز هم هستند اتحادیه های که عضویت
کارگران سیاه را تحمل نمی کنند. در سالهای
۵۰ هر گروه نژادی جداگانه سازماندهی خود
پیداخت. سیاهان در ANG، هندی ها در کنگره هندی
ها، رنگین پوستان در کنگره خود و سفیدپوستان
مترقی در حزب کمونیست و کنگره دمکراتیک متشکل
شده بودند. این بدان علت نبود که ما طرفدار رجائی
نژادی در مبارزه بودیم، بلکه بطور تاریخی این
تنها راهی بود که وجود داشت. با لایحه کنگره متحین
شامل سازمانهای مختلفی که در برابر مردم به

علاوه اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی بنام
"ساکتو" تشکیل شده که در سطح رهبری آغاز
گردید. ما هنوز در سطح پایین تربیت وجود
سستم آبارتارییدی در جامعه با عت جدا سازی
نژادهای مختلف در عرصه های گوناگون زندگی بود
بسیار متشکل بود. در سال ۱۹۵۵ در کنگره ای
برگزار گردید که طی آن "بیانیه آزادی" که سند
بایدی راهنمای جنبش ما است، به تصویب رسید.
کنگروه متحین هنوز هم با مشکل جدائی نژادی مواجه
بود که ما را در مبارزه را دشوار میساخت. ما به یک
تشکلات غیر نژادی نیازمند بودیم. بنا بر این
ما کارهای فتن فورمولی بودیم که طبق آن مشارکت
همه گروههای نژادی را فرا هم کنیم. این از نظر
سیاسی بسیار مهم بود زیرا ما نیازمند یک تجربه
مشترک بودیم. من سیاه و شما سفید. در آفریقای
جنوبی سیاهان و سفیدها تجربیات مشترک ندارند.
هرگاه من سیاه پوستان دستگیر شوم، شکنجه و تحقیر
میشوم. اما به یک سفیدپوستان شاید حتی دستبند هم
نزنند. شما سفیدپوستان در خانه های زندگی میکنند
که استخر دارند. من سیاه پوستان حتی نمی دانم استخر
چطور چیزی هست! بنا بر این هر کدام از ما نقطه شروع
مختلفی برای تحلیل و ارائه راه حل داریم و این بر
تحلیل ما از شرایط تا شیر سیاه میگذارد.

ANG تلاش کسود تا همه افراد را خارج از
تعلق نژادی شان به گروههای نژادی خاص، در امر
مبارزه مشارکت دهد. البته این بدان معنی نیست
که سیاهان بیشتر از بقیه نیستند. زیرا ۷۵٪ جمعیت
این کشور سیاهان تشکیل میدهند و این طبیعی
است که آنان سرتری را در ANG هم دارا میباشند.
با لایحه در کنگره مشورتی در ژانویه سال ۸۳ ورود
همه گروههای نژادی به ANG تصویب گردید و این
بیشترت بزرگی بود زیرا ما حالا میتوانیم به آفریقای
جنوبی از یک نقطه نظر نگاه کنیم و بر سر یک
ایدئولوژی یکسانی داشته باشیم.

امروز ANG یک حزب نیست. ANG یک جنبش
توده ای دمکراتیک است که هر کس که به حداقل هدف
ما یعنی سرنگونی رژیم آبارتارییدی و بنیان گذاری
یک آفریقای جنوبی دمکراتیک بدون تبعیض نژادی
معتقد است، میتواند به عضویت کنگره ملی آفریقای
جنوبی در آید. شما میتواندید ما فله کار را، لیبرال
مسلمان، مسیحی و... با شیدو به این حداقل اعتقاد
داشته باشید. در حال حاضر ما برای قدرت گیری
احزاب خود نمی جنگیم زیرا در آن صورت مبارزه را
برای این هدف حداقل فراموش خواهیم کرد. اما
آنکه ما به این هدف دست یافتیم روزی فرا میرسد
که بگوئیم چه حزبی را شما پندگی میکنیم و برای
قدرت گیری آن می جنگیم. این مردم هستند که آن

روزها بدتکنیک این مسئله را روشن کنند. شاید
آنها بگویند ما هیچ حزبی را نمی خواهیم و میخواهیم
که ANG به یک حزب تبدیل شود. امروز هستند
بسیاری از دوستان ما در خارج که میل دارند ما
طبق الگوی معنی از یک حزب معین بیرونی کنیم.
اما ما می گوئیم: اینکار را نخواهیم کرد. البته به
مشکلات این امر کاملاً آگاه هستیم ولی این تنها راهی
است که طی آن موفق به سرنگونی آبارتارییدی خواهیم
شد و آن روز که اینکار را به سرانجام رسانیم، این
تنها سرعده همه مردم آفریقای جنوبی و نه یک
حزب سیاسی است، که تصمیم بگیرد. بهر حال بخاطر
همین امر است که ما تا چارم حرکت و شدت مبارزه را
کند کنیم. اما همه اینها به این معنی نیست که
ANG جهت ندارد. ما میگوئیم یک آفریقای جنوبی
دمکراتیک بدون تبعیض نژادی نخواهیم. بنا بر
این مسائل شخصی هستند که با بدریک رژیم دمکراتیک
اتیک انجام میدهیم. ما باید مسئله زمین و مالکیت را
در این کشور حل کنیم. ما باید مسئله رفاه را برای
عموم حل کنیم و اینها به شیوه سرمایه داری قابل
حل نیستند زیرا در نظام سرمایه داری زمین باید
در دست شرکتی چندملتی باقی بماند. ما باید
این مسئله را طوری حل کنیم که سرمایه های مردم
در دست خود مردم قرار گیرد. من نمی گویم که سوسیال
لیست یا کمونیست خواهیم شد. من را در این ترمینا
نمی شوم. اما می گویم کارها می هستند که ما جهت
تا بین رفاه مردم با بد کنیم و شما می توانید هر
نا می بر آن بگذارید. این برای من روشن است
که شیوه فعلی قابل ادا نیست. تنها ۱۳٪ زمینها
متعلق به ۸۰٪ جمعیت سیاه پوستان میباشد و این یک
تقسیمنا عادلانه و غلط است. یعنی ما با بدبه موقعیت
سرمایه داران استعمارگر تاج و زکنیم. چطور ما
میخواهیم این زمینها را از اینها بگیریم و به سیاهان
و مردم بدهیم؟ اگر شما بگوئید: "ما میتوانیم اینکار
را به شیوه سرمایه داری انجام بدهیم، من میگویم
این خیلی مشکل است. این غیر ممکن است. این
آشکاراست که اگر ما یک آفریقای جنوبی دمکراتیک
میخواهیم نمی توانیم سیستم اقتصادی کنونی را حفظ
کنیم. اگر شما اینرا سوسیالیستی می نامید، خوب
بفرمائید. دیر یا زود هر چه بیشتر از اعضای ANG بر
سرمواضع اصلی ما به توافق میرسند. ما داریم به
موقعیتی فراموشیم که در آن از نظر ایدئولوژیک
به یک برسیم و مشترکی نزدیک میشویم.

امروز ما برای هیچ گروه نژادی امتیاز
خاصی را به رسمیت نمی شناسیم. ما همه بر سر یک فرد
یک رای داریم. در یک اتحادیه نژادی، دمکراتیک
سوسیالیستی اتفاق نظر داریم. سفیدپوستان
آفریقای جنوبی نخواهند توانست مثلاً در مجلس
کرسیهای مشخصی را به خود اختصاص دهند. فقط از آن
جهت که مثلاً ۱۰٪ یا ۱۵٪ جامعه را تشکیل میدهند.
این مردم هستند که رای میدهند و هر که رای آورده
مجلس میرود.

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

خبری از ایران

۲۵ درصد مردم ایران
بیمار روانی هستند

● در میان انواع کنگره‌های رنگارنگی که هر روز در جمهوری اسلامی برپا میگردند، تا زهرترینش "کنگره سلامت بگو" است. در این کنگره توسط دکتر "نورالامین" معاون وزارت بهداشت رژیم اعلام شد که "در ایران آمارمردوسی از بیماران روانی وجود ندارد اما با تشخیص‌گیری از آماربیماران روانی در نمونه‌های جمعیتی میتوان گفت ۲۵ درصد جمعیت ما یعنی حدود ۱۰ میلیون نفر مبتلا به انواع بیماریهای روانی هستند" و عوام ملی را که با عث گشته‌اند تا در ایران این مقدار بیماران وجود داشته‌اند "جنگ، ناامنی، جنگهای روانی-شیمیائی شهرها، محاصرت، شرایط اقتصادی حاکم بر کشور" نام برد. وی همچنین کمبود متخصص برای این امر را یکی از عوامل رشد آن دانست و گفت "در کشور ما حدود ۵ هزار تخت برای بیماران روانی در بخش خصوصی و دولتی داریم. در حالی که یک درصد از مجموع بیماران روانی که نیازمند بستن تخت بیمارستان در کشور هستند رقمی بالغ بر ۱۰ هزار تخت است" و ایسین در حالیست که در سطح کشور تنها "ده نفر دکتری روان شناسی و کمتر از ۵۰ نفر فوق لیسانس روانشناسی داریم که در مقابل تعداد بسیار زیاد بیماران است".

با اعلام این خبر یکی دیگر از دست‌آوردهای رژیم فقه‌ویکی از "خیرات جنگ خود را می‌نماید". در کنار این ده میلیون بیمار روانی، میلیونها بیمار غیرروانی از معلول و معیوب گرفته تا سکت و... را نیز با سده‌ها بآورد که هیچگاه در هیچ آمار رسمی گنجانده نمی‌شوند. بیماران که گره‌آملی بیماران حاصل از موجودیت رژیم دست‌آوردهای آن می‌باشد.

چند خبر کوتاه

● سین یک شرکت ایتالیائی و دولت جمهوری اسلامی قراردادی به مبلغ ۱۳۵ میلیون دلار منعقد گردید که طی آن این شرکت ساخت قسمتی از تأسیسات پتروشیمی اراک را به عهده خواهد گرفت.

● طی مصاحبه‌ای، وزیر اطلاعات رژیم اعلام داشت که صدها تن بجرم جاسوسی برای آمریکا طی هفته‌های گذشته در ایران دستگیر شده‌اند از جمله سرهنگ سپهرام ایگانی، سرشیب دوم اردشیر شرف، سرهنگ علی گیلانی، سرهنگ مسعود بائی، ناخدا یکم تورج‌ریا، ناخدا یکم قهرمان ملک‌زاده، دریا دارومکیا نوش حکیمی، دکتر آقائی کاشانی، رت‌خا رجه، بهمن دیده‌ورکا شناس وزارت نفت، مهندس امیرکامند پتروشیمی شیراز، دکتر آذردکتر حشمت‌الله مقصودی و کلادا دکتری، بنا به اظهارات زرفرنجانی دستگیریهما هنوز آزادانه دارد.

● در جریان دیدارهای اخیر ایران با وزیر اطلاعات بحرین، طرفین حول زمینه‌های مشترک در مورد اخبار و اطلاعات و گسترش روابط به بحث و بررسی پرداختند.

● دولت انگلیس اعلام نمود که ۸۰ هزار ایرانی در انگلستان زندگی میکنند.

زندان برگردانده شده‌اند. به برخی از آنها مدت ۱۰ روز دیگر وقت داده شده است. آن تعداد از زندان نیابتی که بدین طریق توانستند برای خود ضامن پیدا کنند نیز هر هفته با بد خود را به سپاه منطقه معرفی کرده و سرگه تفتیش ۳ صفحه‌ای را برکنند که مطابق آن اطلاعاتی را با بد خصوصی افراد داده و محله خود را نه‌کنند.

متمم‌برای قانون اساسی

میکنند که قانون اساسی را مورد تجدیدنظر قرار دهیم. حضرات که در جل بحران حکومتی بیش از هر زمان در مانده‌اند بیفکری یکپارچه کردن سیستم اداری هستند اما موضوع اصلی که همان راه و احداث راه‌گز نمی‌یابند.

بروایتی ساده‌تر، حضرات برای اسکسه بن بستهای خویش ردای قانونی سیوا نندتا سا حیلتی حدس برای فریب خلق بسیج کردند. متمم قانون اساسی را علم میکنند تا درینا ده سال رنگ خوش را لایوشانی کنند. ده سال که طی آن سه قول خودشان هیچ چیزی نتوانسته‌اند به مردم بدهند.

گرانی پیدا می‌کنند

● گرانی و تورم، طی ده سال حاکمیت فقه‌ها، همچنان چپا را سه‌به‌بیش می‌تازد. در طی این مدت هیچ جنسی قیمت ثابت نداشته است. هر تدبیر دولت در این زمینه نهایتاً نتایج سرما به‌داران و بازاریان تمام شده است. و در این زمینه علت را مردم عموماً خود دولت میدانند چرا که بدرستی فهمیده‌اند که رژیم ضرر، مدافع نظم سرما به‌داران است. دولت اخیر برای چندمین بار اعلام کرده که از این پس برخورد قاطع در این مورد خواهد داشت و در این میان نرخ برخی از کالاها بدن قرار است: سرنج درجه یک کیلوئی ۱۰۰۰ تومان، درجه دو ۸۰۰ تومان، گوشت کیلوئی ۲۷۰ تا ۳۰۰ تومان، سبب ز کیلوئی ۷۰ تومان، سیب زمینی کیلوئی ۵۰، نخود کیلوئی ۵۰ تومان، بنیر کیلوئی از ۲۰۰ تا ۳۰۰ تومان، یک جفت گنجش بالائی ۱۰۰۰ تومان، جوراب بالائی ۱۰۰ تومان، سرغ ۲۵۰ تا ۳۰۰ تومان و... سکه آزادی ۱۲ تا ۱۳ هزار تومان.

در همین زمان قیمت ارز در بازار آزاد بدن قرار است. یک دلار ۱۱۹۵ ریال. یک مارک آلمان غربی ۶۳۵ ریال و یک پوند انگلیس ۲۰۲۰ ریال.

لازم به تذکر است که طی سالهای گذشته چندین بار دولت خود، نرخ برخی از کالاها را بالا برده است که از میان آنها میتوان برق، پست، تلفن، سگار، شکر، بنزین، نفت و فراورده‌های آن، سرغ و گوشت و... را نام برد.

● در دوره اخیر از زندانی که مشمول "آزای" شدند، تعداد گرفتند که ظرف موعده ۱۵ روزالی ۱ ماه با بد کسی را بعنوان ضامن خود معرفی کنند در غیر این صورت به زندان برگردانده خواهد شد. از جمله بدلیل دشوارتر کردن شرایط ضمانت (یعنی در صورت فرار زندانی از کشور، دستگیر و زندانی کردن ضامن وی)، بسیاری از "آزادگان" نتوانستند برای خود ضامن پیدا کنند و بدین ترتیب چندین نفر دوباره به

● هیئت ۲۵ نفره که از جانب خمینی مامور اصلاح قانون اساسی شده از ششم اردیبهشت کار خود را شروع کرد. در اولین نشست، این هیئت مشکلی را بعنوان رئیس و فرسنجانی و خا منهای را بعنوان نواب رئیس و شیخ محمدیزدی و دکتر حسن حبیبی را بعنوان منشی‌ها انتخاب کرد. در این جلسه که احمد خمینی هم شرکت داشت خا منهای گفت که تدوین کنندگان قانون اساسی که تجربه‌ای در کار ندارند کشور نداشتند، با تجربه تلخی که از تمرکز نیروها در رژیم گذشته مواجه بودند، قانون اساسی را بگونه‌ای تدوین کردند که در آن سازماندهی نیروها به سمت برکنندگی در وظائف و عدم تمرکز قدرت باشد. اکنون این ضرورت در دوران با سازی ایجاب

طرح جدید برای مبارزه با

"بدحجابی"

● بدنبال اولتیماتومی که چندی پیش از طرف "شورای امنیت" رژیم فقهی مبنی بر "لزوم مبارزه قاطع با بدحجابی و بی‌حجابی" اعلام شده بود، از طرف رژیم "تغزیرات طرح مبارزه با بدحجابی" تصویب و از اول اردیبهشت قابل اجرا اعلام شد. برخی از مواد این طرح به طیف بندی و تعریف انواع بدحجابی که مشمول جلب و تحویل به مقامات قضائی "میشود" عبارتند از: "بیرون بودن بخشی از موی سر، آرایش صورت با استفاده از رژ لب، سایه چشم، استفاده از لباسهای که قسمتی از بدن را پوشش ندهد، استفاده از لباسهای توری و نازک بدن نما، استفاده از شلوارهای تنگ بدون مانتو، استفاده از جورابهای توری یا نما بدون شلوارها یا کوتاه، استفاده از لباسهای که دارای علامات و عکسها یا نوشته‌های زننده و خلاف اخلاق اسلامی باشد". در پایان ایسین اعلامیه‌ای توضیحی "حدپوش شرعی" که خلاف آن مستوجب مجازات است و زندان و شکنجه و "تغزیر بدنبال دارد، چنین تعریف شده است: "حدپوش شرعی بیرون بودن قرص صورت و دستها تا مع است، در مورد مردان نیز استفاده از لباسهای جلف که باعث عمومی منافع داشته و نما یا نگر فرهنگ است؛ با شدرا شامل است".

این تهدیدها در شرایطی صورت میگیرد که رژیم "مبارزه با بدحجابی" را از روش کارهای خوبش اعلام داشته است

اتریش - وین

ترکیه :

اول ماه مه خونین



در اعتراض به حمله مسلحانه عوامل رژیم دیکتاتور ترکیه به صفوف نظرات روز اول ماه مه که منجر به کشته، زخمی و دستگیر شدن عده زیادی شد، بدعوت چند سال زمان مترقی ترک، بکسوسی آکسیونهای اعتراضی از قسبل اشغال دفتر حزب سیزها، نظرات و راهپیمایی طرف سفارت ترکیه و آتش زدن برجها بن کشور سرگزا برگردید. در ایسن آکسیونها که از روز دوم ماه مه آغاز شد علاوه بر سال زمانهای انقلابی و مترقی ترک، سال زمانهای مترقی و انقلابی اتریشی و ایرانی از جمله هوا داران سال زمان با شرکت داشته و همستگی خویش را با خلقهای ترکیه ابراز داشتند.

راهپیمایی روز اول ماه مه در وین

سکاردیگر در صد و سومین سال اعلام روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی کارگر خرد تولد از حرکت استوارن سلسونی کار در اقصی نقاط جهان ضمن نمایش قدرت سکران خویش، همبستگی طفله کارگر در سراجان را رسا تر از پیش فریاد نکود. در وین با سخت اتریش نیز از نخستین ساعات سال مددکاران در صفوفی منظم و فشرده رژه بر تپه خود را آغاز کردند. همبند مناسبت هوا داران سال زمانهای مترقی و انقلابی خارجی سز به راهپیمایی برداشتند و با وحدت سرتی سال زمان ما سز در راهپیمایی شرکت کرده و به سختی اعلامه های در رابطه با روز اول ماه مه، امشای ماهیت رژیم در رابطه با صدور فرمان قتل سلمان رشدی و... مسادرت کرد.

سفر به اتریش

چندان هم آسان نیست!

روزنامه استاندرد چاپ اتریش در شماره روز ۵ آوریل خود خبر کوتاهی ر تحت عنوان "آتریش ایستگاه، سالن ترانزیت فرودگاه" درج کرده است. مطابق این خبر روز سوم آوریل، ۱۳۳ نفر ترمه ترکیه

توسط گروهی قاچاقچی که مسلما بیولهای کلانی از آنها گرفته بودند، وارد فرودگاه وین شده و توسط پلیس توقیف گردیدند. همان روز ۹ نفر از آنها توانستند تقاضای پناهندهگی کنند، اما ۴ نفر به ترکیه بازگردانده شدند و بقیه بلا تکلیف ماندند. بعد از ظهر همان روز با هواپیمای بعدی که از استانبول پرواز کرده بود، تعدادی دیگر به آنجا فرستادند. پنجاه نفر از آنها به اردوگاه پناهندهگان در وین انتقال داده شدند، اما اکثر آنها در همان بازجویی اول به حواله منفی گرفتند.

استانداردی افزایش یافته "در وزارت خارجه اتریش تاکنون تنها یک اقدام صورت گرفته است: چاپ اوراق اطلاعاتی بزبان ترکی که می با سستی در تاملوهای فرودگاه ترکیه نصب گردد. در ایسن اوراق بزبان ترکی نوشته شده است، سفر به اتریش چندان هم آسان نیست!"

کارگران، حداقل یک نفر کشته شده و تعداد زیادی مجروح و دستگیر شدند، دولت ترکیه از اقدام سرورهای نظامی دفاع نموده و آنرا اجرای قانون ضد کارگری رژیم نظامی سابق نام نهاده است.

در جریان نظرات کارگران در شهر استانبول که مساحت اول ماه مه روز جهانی کارگر صورت گرفت، پلیس و نیروهای نظامی اقدام به شلیک به تظاهرات کنندگان نمودند. در جریان سرکوب خشن

کارگران کلن که زحمتکشان و نیروهای مترقی آلمان و دیگر کشورها آنان را همراهی میکردند در با با راهپیمایی اعلام نمودند که: سیکاری شانس زندگی را از سین خواهد سرد و گرسنگی حاد را بر سر جامعه تحمیل خواهد نمود و سیکاری کل جامعه را در هم می باشد. بر این اساس ما مبارزه خود را در موارد زیر برای دستیابی به دنیایی بهتر گسترش خواهیم داد:

- مبارزه علیه سیکاری
- توسعه و تحکیم حقوق کارگران و همچنین دگرایی در سطح جامعه
- مبارزه با اعمال خصمانه و ضد کارگری رژیم
- مبارزه قاطع برای شنج زداشی، آزادی و خلص سلاج.
- شرکت اعفاء و هوا داران سال زمان ما در ایسن نظرات سز حشمبر بود.

ما دنیای دیگری می خواهیم

آلمان فدرال - کلن
همزمان با اول ماه مه، روز جهانی کارگر هزاران تن از کارگران شهر کلن، بدعوت از BFF نیز بزرگترین سندیکای کارگری آلمان، اقدام به شلیک راهپیمایی بر تپه نمودند. کارگران آلمان امسال در شرایطی روز جهانی کارگر را برگزار می کنند که مالی بر تحرک و موفق ر پشت سر گذاشته اند. گسترش شرکت بیشتر مردم در نظرات امسال نمونه ای است حاصل از این جنبش. آنان همصد در ایسن روز خروج برداشتند که ما علیه سیکاری سیکاری دگرگونی جامعه، تجدید کار و فرما و حق اتحادیه ها مبارزه خواهیم کرد. آنان فریاد برداشتند که ما باید برای تمام مردان و زنان جامعه کار فرما همگردد و برای اینکار تحولی سیاسی در جامعه لازم است.

آلمان فدرال - فرانکفورت

آشوب حزب الله در محل سخنرانی!

وبین - اتریش :

سرای شامگاه روز ۲۴ آوریل به ابتکار دانشگاه تکنیک وین و سایر همکاران "گروه ردیو" نویسنده مترقی اتریشی و دو تن از اعضای بنیان مترقی یک جلسه سخنرانی در مورد کتاب آیه های شیطانی نوشته سلمان رشدی تدارک دیده شده بود. اما از چند روز قبل مزدوران خمینی جنا ببتکا روفریب خوردگان بنیاد دگرا با تلفن ونا سرگزار رکنندگان سخنرانی را تهدید به مرگ کرده و گفتند که در محل سخنرانی بمبخوا هستند گذاشت. سرگزار رکنندگان و شکیست کنندگان بدین توجه به این تهدیدات در روز مقرر جلسه را آغاز کردند. اما سه ای از عناصر مزدور و فرساجوره محل سخنرانی را شغال کرده و سر و صدا و فریاد و شعارهای مذهبی مانع از سرگزاری سخنرانی گردیدند. بدین ترتیب اجبار سخنرانی به جلسه دیگری موکول گردیده. ولی سرگزار رکنندگان اقدامات فریب خورندگان را محکوم کردند.

۵۵۰ نفر با اضا خطا بیه
اقدامات تروریستها را
محکوم کردند

سازم خوردن حمله سخنرانی ۲۴ آوریل و دلیل اشغال محل توسط حزب الله، انجمن اتریشی "دوستان اران نویسندگان" (IG Autores) خطا بیه ای را در محکومست اقدامات رژیم جمهوری اسلامی ایران در تجدید آزادی ها با اضا ۵۵۰ نفر منتشر نمود.

در سخنی از خطا بیه چنین آمده است :

"در تاریخ چهارم فوریه سال ۱۹۸۹، خمینی از همه مسلمانان جهان خواست تا سلمان رشدی نویسنده "آیات شیطانی" و همه آنها بی که این اشرا منتشر میکنند، بید کرده و بکشند.

ما اضا کنندگان زسرا علام میداریم از آنجا که حق آزادی عقیده و بیان رسمی آن بگونه ای که در اعلامیه حقوق بشر آمده است موردنا شد است. از انتشار این کتاب حما بیت میکنیم.

سرای ما فرقی نمی کند که محتوای کتاب را خوب یا بدیدیم: نم: میدانم که این کتاب افسراد زیاده را برانگخته و از مناجره ای که در این را بظن پیش آمده متنا سقیم. زیرا که تلفات انسانی ناشی از آن زیاده بوده است. ما از جنا ببتکا می خواهیم که از حق آزادی بیان، نظرو عقیده انانیا بشتیبانی کنند و با منتقدین خود با مدارا و بدون سانسور و تهدید و زور به بحث بپردازند.

از حاکمان جهان میخواهم که تهدیدات علیه سلمان رشدی و کسانیکه در سراسر جهان به افسر انتشار اشغال دارند را مردود شمرده و بطور فعال در این راستا عمل نمایند تا این تهدیدات پس گرفته شود.

دفترهما هنگی انجمن اتریشی دوستان اران نویسندگان

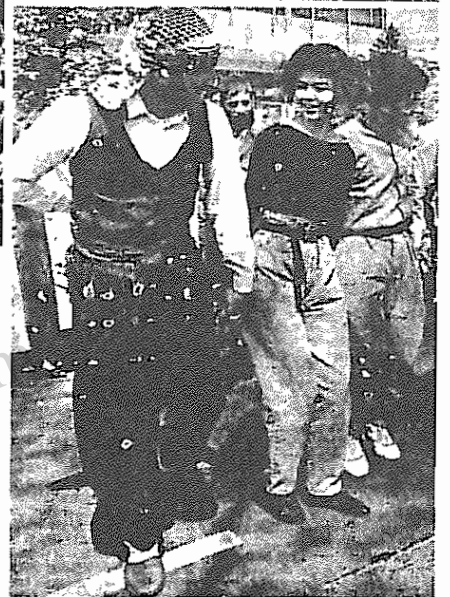


آزاد کردند"، "قطع شکنجه، شرور و تبعیض بنژادی" همکاری دولت آلمان با رژیم ایران محکوم است و ... تکرار مسکرتند و جمعیت با تکرار محدود آنها قریباً دمیزد هر چه محکمتر با دهمبستگی بین المللی. در با بان را هییمائی قطعنا مه تظا هرات توسط نمابنده DGB خود: نده شد و تم اصلی و شعار اصلی راه - بیمائی امسال علیه سیاستهای فداکاری دولت آلمان بود. را هییمایان بعد منظمنا به محل ساختمان DGB رفته و در آنجا شیطانی مرا: سب شکوهی بیه بزرگداشت اول ماه مه برپا خندند.

در حالیکه کارگران ترک و سایر ملیتها، در محل ساختمان DGB در فرانکفورت با ارائه فرهنگ و رقص های فلکلوریک مشغول شادی بودند، خیسسر تظا هرات خونین اول ماه مه در استانول که توسط پلیس و دولت فاشیست ترکه سرکوب گشته و منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی جوان کارگزار شده بود سه جمعیت رسید. حدود ۳۰ نفر از کارگران ترک خشکی از سرکوب و کشته شدن برادران خود در استانول بلافاصله در خیابانهای مرکزی فرانکفورت دست به راهپیمائی زدند و آنجا رونق گرفت خود را از دولت سرکوبگر ترکه نشان دادند و به کشتار کارگران اعتراض نمودند. پس از مدتی پلیس از ادا مته تظا هرات خود بخودی و خشمگین آنها جلوگیری کرد.

شیلی:

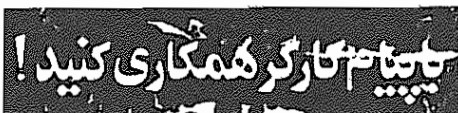
در جریان تظا هرات اول ماه مه در شیلی که دعوت اتحادیه های کارگری برگزار شده بود بیش از ۱۳۰ نفر توسط پلیس دستگیر شدند. در شهر سانتیاگو تظا هرکنندگان با اروپائی با رنگارنگ و زود و خورد با پلیس فداشورش برخاستند.



امسال نیز مثل هر سال گذشت در اسپانیا اتحادیه های کارگری آلمان (DGB) شعبه فرانکفورت، کارگران و سایر نیروهای هوادار طبقه کارگران راهپیمائی مرکزی دعوت کرد. راهپیمائی با شرکت حدود ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر با شکوه فراوان و زیر پرچم های سرخ از خیابانهای مرکزی شهر آغاز شد. تقریباً اغلب گروهها، سازمانها و احزاب کارگری، مترقی و انقلابی آلمانی و خارجی در این راهپیمائی سا پرچمها و شعارهای خود حضور داشتند. رفقای ما نیز با شعار رزنده ما دهمبستگی رزمی طبقه کارگر جهان در صفی مستقل در راهپیمائی حضور یافته و در محل سخنرانی میز تبلیغی را برپا کردند. سرگزار رکنندگان راهپیمائی با بلندگو مرتب شعار "خارجی بماند، ما زبست سرود" زندانسان سیاسی در ایران، ترکیه، آفریقای جنوبی

اتحاد شوروی:

اول ماه مه در شوروی با شکوه فراوان برگزار شد. در این مراسم برای اولین بار علاوه بر شعارهای رسمی حزب، آزادی مردم و انجمنهای سیاسی و اجتماعی غیر رسمی نیز شعارهای دیگر داده شده و تظا هرکنندگان با ترکیب متنوع و پلاکاردها و شعارهای مختلف در راهپیمائی ها شرکت نمودند.



دمی با آفتاب نو شان هندوکوش

نگاهی به سروده‌های دری زبانان افغان

در این سوی رود، زمینهای وسیع و نسبتاً همواری است که در کنار روگوشه آن، درختچه‌هایی "گز" روئیده‌اند. در نزدیکی رود، روی زمین با خاکسی نرم آمیخته با ماسه‌هایی پوشیده شده و گردبا‌های ۱۲ روزه، سرگرمی همه ساله را با آن زنده میکنند. از شهر کوچکی که دیگر بیدار نیست دور شده ایم و تنه‌ها دهکده‌هایی با فواصل دور در منطقه پراکنده‌اند. وجود خانه‌ها و دامها، مردانی با لباس سفیدبلند و بزرگ که در با دتکان میخورد، دخترانی با پوشش بومی که کوزه‌ای آب بدست دارند، از زندگی در این دهکوره‌ها، حکایت میکنند.

در آنسوی هریرود ما، چهره‌های خاک‌ودشت و شبیه هاستدریج دگرگون میشود. آرام آرام تپه‌های بلند تری که گوئی ناگهان برخاک رسته‌اند، دیده میشود، و این سرابهای قهوه‌ای رنگ که پدیدار و محو میشوند، همیشه وجود دارند. خاربوته‌های اینسودیکر سبزر نیستند، ولی دهکده‌هایی با همان فاصله‌ها - کمی بیشتر - و دور از هم پیداست، اما از زلیبای سفید مردان در دشت هیکل صحرای از دختران با زگشته‌های آبی و کوزه بدست، از چوپانان کوچک رهمچران خبری نیست. زندگی از اینجا گریخته و مهاجرت گسسته است تا در کشوری دیگر، به مرگ پناهنده شود. این شاخص ترین چهره غبارگرفته و دودآلود شعر دری است:

...

ز پشت میز

چهار چشم سیاه

چهار مهره مهر

چهار اختر لرزان شامگاه پاک
به ترس‌های یتیمانه سوی درنگران،

بر آستانه نمایان

چهار مرد دشن

به کف مسلسل چینی

چهار نام مجاهد!

چهار نام مسلمان!

وبعد

خانه تاریک

و ترسهای یتیمانه دو کودک گریان

شبی که فردا عید است! (۱)

(اسدالله حبیب)

برادری که اینسوی مرز است، اگرچه قسوی پنجه ترو بلندقامت تروالی در عین حال تهیدست تر است. شبی چراغ میخوابد و مهتاب را بهتر از آنسویشان می شناسد. هرچه بیشتر به عمق خاک افغانستان میروی، قامت برادران فراشته تراست. دستش خالی تر، خلق و خویش چون لهجه اش متغیر تر و آنوقت درمی یابی: ایران کشور است که کیلومترها آنرا پشت سر گذاشته‌ای، با دیدن کوههای

بلندتر که بلندتر میشوند، مطمئن میشوی که هندوکوش است و افغانستان. این همان هندوکوشی است که عشق و کینه‌ای متضاد در کوهپایه نشینان برانگیخته است: بلند است و برای مردمی که "قدرتی" مدا فصح آنان نبود، تسلی خاطر و رفیق زندگی، و بزرگ و بلند است همچنان، و برای مردمی که این بار، صحنه‌ها بجای خورشیدی که از فرازشان بر کلبه‌های محقر می تابید و سلام میگفت، گلوله می آورد، دشمن است. اما مردمی که اینهمه بلا را از سپهر بلا دیده‌اند، پشت سر یا ربیگنا نشان به کسی چیزی نمی گویند، ایسن مردم! اگرچه از آن گریخته اند و می گریزند و در کوره پزخانه‌هایی که "همتا" بینان در ایران رونق یافته، جان می کنند، ولی در خلوتشان، هر شب با هندوکوش گرم میگیرند.

کابل! ای همه بلندی

ای همه غرور

کودک تو از نخست روز

چشم بر فراز دوخته ست

بر بسوی قلعه‌ها گشاده ست

و ز پرنده هم پرنده تر

دل به آبی اوچها نهاده است.

افغانستان کشوروستا هاست، بهر لحاظ.

علائق "شهری" متداول حتی در شهرهای پیش جا نیفتاده است، از سالفات تا برق و جاده و دود و سوت کارخانه، مگر منازعه‌هایی پرازانگور و سیب و خربزه! ده، در تا روپود سروده‌های دری نمایان است:

ورفت حسینی که از ورزیده ترین شاعران

تصویر پرداز فانی است و عمده شعرهایش تا عمق

تخیل میرود و می پوید و ظهور میکند، در یکی از سروده

هایش این مهور نشان روستا را در شعرهایش می -

نمایاند:

بر سبزی مقدس هر برگ

می نوشت

اشعارا شقانه خود را

باران

آنگونه بوداد هوا و فضای ده

در آن سپیده دم

کز شاخه‌های هستی

میشد بیا رسید.

"باران" همیشه در اشعار افغانی، بهشتا به نیازی مطرح است. وضع بهداشت و محیط زیست در افغانستان در حد قابل ممکن است. نان و آب هم فراوان نیست. اما آفتاب همیشه حضور دارد و آن سرد میانسانی که در زیر لباس و جامه افغانی، چشم از آزار خورشید بر میگردد، در دل شاد است: اگر تو نبود ای همه جمعیت خانه نشین بود. وقت پولی برای خرید نیست، دیدار جمعی خورشید، نعمتی است. "ورفت حسینی به زبان شعری گوید:

و زن فریاد زد

"باران"

باران، آبی باران می فروشم، آبی

در این داغی

گوارا آب سرد و بیش باران

بباید آبی

باران...

و این صدای ممتدیست که در شهرهای افغانستان

در تابستانها شنیده میشود و کابل پراز "باران" فروشان است.

آری، شعر صاصر دری افغانستان همان تقدیر

کوهی و کویری و آفتابی و عرق ریز و خسته و شورید است که مردم و سرزمینش، این شعر جنگجو است، جانبدار و مترقی است، شیپورها ی جنگ فدا سلطنتی و فدا فئودالی را همینان به صدا درآوردند، اگر چه تنگنا، در زمانی دیگر، در دستهای دیگری جا بجا شد.

شعر جانبدار زبان دری از دهه‌های چهل شمسی به

بعد قدرت معنوی بلامنازع بدست آورد، اکثراً شاعران این سالها، تما یلات و ایدئولوژی مارکسیستی دارند و مضمون شعر آنها مملو از برداشتهای فولکلوریک سیاسی و انقلابی، بیان زندگی زحمتکشان و توجه به

شاعران جهانی و انترناتسیونالیست است. در ادامه

به جنبه‌هایی از آن اشاره خواهیم داشت، ولی این نکته را از زمین آکسون، ناگفته نمی گذاریم که در

شعر صاصر دری، زبان کوچکی که با همین بیان در ایران

متفاوت است، راه یافته است. بعضی نکات گراماتیک

نیز تفاوتها میانی این دو وجود دارد و نیز به

تفاوت سطح رشد اجتماعی - اجتماعی جامعه

افغانستان، گویش قدیمی دری یا فارسی، دیرپا تر

از گویشی است که در زبان فارسی ما (چه در ادبیات

و چه در فرهنگ کوچه) رایج است. کلا افعال

ترکیبی نظیر "خوانده می توانم" (میتوانم بخوانم،

می توانم خواند) و ما بر افعال نظیر آن و نیز

افعالی که در زبان دری، بصورت ترکیبی است، به

خلاف آنچه در فارسی ایران است: "نوشته می کنم"

(می نویسم) و... بعضی اسامی ذات نیز در افغانستان

بگونه دیگری است. این موضوع گاه به حدی است

که استفاده شاعران افغانی (دری زبان) از کلمات

فارسی نامفهوم می نماید.

با بیدار این ارتباط متقابل نامی از

شاعرانی چون شاملو، فرخزاد، گل سرخی، کسرا ثی برد

که مورد علاقه سخن سرایان نوین افغانستان هستند

روزی شاملو جوان زجر کشیده و زندان دیده‌ای را دیدم

که اشعار لورکا را زمزمه میکرد، پرسیدم: خیلی به

آنها علاقه داری، در جواب گفت: لورکا را در حنجره

شاملو دوست دارم. و اشعارش ملونیز، محبوبترین

شعرهای ایرانی است. شعر مترقی افغانستان به

تمامی شعرنویان این کشور است. معتبرترین شاعر

...

از مردگان گذشت ، سخن از مرده‌داران است !

انقلابی هستند. در کوبا، هیچ درماده، در بسدری مانند محمدرضا پهلوی و پدر "کبیر" نیست که پس از ناتوانی در باربری غرب در "آوان" و "موریس" کبه، برگ بگذارد. در آنجا طعم گوارای استقلال را خنده‌اند تا هیچ پیرزیدنت "نمکه نشنا سی" چون کابتر، نتواند به یک نوکر معاصر کوبا (نظیر پهلوی) که در جستجوی پناهندگی پس از حکمرانی است، بگوید:

"من اصلاً شما را نمی‌شناسم".
کتابخانه، سلطانی‌ها از آن بیشتر درماده‌اند که در انتخاب سوزنده نیز مسما نند، اگر گنگستر "آزادی خواهی" چون رونالد ریگان از "آزادی و دموکراسی" در حکومت دیکتاتور آورده سخن می‌گوید، به انسانواع دستگا‌های تسلیمی تکه دارد. شوربختی و درمانگی سلطانی‌ها آنست که تا کامی حتی حزع و فزع ریگان ما فیائی را با او رنمکنند. زیرا در آن صورت نمی‌بست کبیا ن لندن را مابه تقویت روحی خود ببندارند. تیره روزی فاجعه‌سازتر! و نیز آنست که در اطراف او کتاف سا رگا ه: سذال، حتی یک ورق باره آرومندیافت نمی‌شود. این طبیعی تر سن درمانگی کتابخانه سلطانی‌هاست. تا این شوربختی با قیست (که هست) ایشان نمی‌توانند نمونه. "ازمدا قناده" کوبار با زور و قوت آورده تعویض کنند. اگر افتضاح "قضای ساز" پهلوی و تعین برخاسته از نعت دروازه با سان "تمدن بزرگ" قانع نشن نمی‌کند و تجربه آخوند‌های یمک نشناس نیز قناعت بخش نیست، ما بی هیچ مزاحی به ایشان توصیه می‌کنیم:

فرصت آزمودن با قیست، بفرما شید. هنوز جاه و بیل سرافکنندگی و افتضاح و درماده ندگی پیرنشدند است.

ما زندانی

آوریل ۸۹

کور شده، گوشه‌ای کرده، دستهای شکسته و بدنهای له‌شده و اجساد مملنه زندانیا ن سیاسی دوره شاه را بتوان ناندیده گرفت. آری، ما ادعا می‌کنیم که در این صورت نیز، جماعت شاه الهی از کوپورگشتن مردم وضاحت‌ها ظرمی یا بند، آخردر چنین حالی است که خوانندگان مقالات و نشریات آنها، ظواهر آنکار تناقض میان کوبی "خوشبخت" یا تستا (محمدرضا کوبا نی) و کوبای "درماده" سا سترو را نخواهند دید. بزعم کتابخانه سلطانی، کوبای فیدل درماده و از انقلاب پشیمان است. همچنین به عقیده پنهانسان ماده، او، مردم "گرفتار" در این گوشه نیمکره غیبی با یاد زبیشه کن شدن بی‌مادای، بیگاری، فقر و فلاکت وی درماده نامها شند. تفاوت در اینجا است که سلطانی‌ها درماده ندگی خود از آگاه شدن، با سواد شدن، رها نی یافتن و خوشبخت گشتن مردم کوبا یا ایران رنجور از جور ظل الله را به مردم آزاد شده جزیره آزادای امروز ایران آزاد فردا نسبت می‌دهند. طبعی است که خانه سلطانی از اینکه کوبانی‌ها را درماده و ما ظل در کتا روسی خانه‌ها (یعنی یکی از مشهورترین رها وردهای با تستا) نمی‌یابد، در... ما ماده است. دردهای او را به آسانی می‌توان در کتب: اگر مردم ایران در روسی خانه‌های شاه ساخته درماده و ما ظل میمانند، اگر فرستها را در "حذبه" تما شای بزرگترین محله، بدنام (سلطنت و شاه پستی) هدر می‌دند، آنگاه خانه سلطانی (وما بر عمله) بشدال سلطنتی تا گزیر نبودند در گوشه‌ای از دنیا، ویلان و ما بوس و سرگردان در وصف نداده "کوبای کا سترو" قلم‌بزنند. که در آن صورت نه‌تنای آرمیشدونه عیشی از ما به و "منزلت" می‌افتاد.

امروز حتی خصمانه‌ترین تحلیلها نا گزیر سه اعتراف پیشرفت و پیوی (ونه درماده ندگی) کوبای

"هر دو لوج اند، دروغگو هستند، به سرنوشت و ناموچهره خود بیشتر از زرافه و آسایش و کامیابی ملت خویش اهمیت میدهند. هر دو میخواهند انقلاب خود را یک پدیده یکتا و بی‌همتای معرفی کنند... مردمی که کمیته‌های... و سازمانهای امنیتی... آنها را همیشه می‌یابند... اینها حملات کتابخانه سلطانی، قلم‌زن کبیا ن لندن است. او در جای دیگر می‌گوید: "هر دو (یعنی خمینی و کا سترو) از مردم خواسته‌اند که آنان را رهبر مطلق بخوانند." او اضافه می‌کند: "دو رهبر فرسوده و شکست خورده، در زیر بار سنگین شما نت مردم و محکومیت در افکار عمومی دنیا و در دادگاه وجدان بشری... زندانی... ما ماده نداده مگر مرگ آنها را رها نی بخشند و ملتها یان را از قید و جود این رهبران آسوده سازد." (کبیا ن لندن، ۲۵ فوروردین ۶۸)

راستی که چه نعمتی است یک جویا: کتابخانه سلطانی جای شاه را با کا سترو عوض می‌کند. کمیته‌های انقلابی کوبا را جای سا واک می‌نشانند. بجای مشتی سلطنت طلب کف به لب به ریاست تیمچه شاه عا جز ترا ز خود جماعت تجرکبای سی آبنسده: لسا لودور "را می‌تواند و کوکا شن فروشیهای کلمبیا نی را که سابقه دیرینه‌ای با ندهای اشراف پهلوی... دارند، به مبارزان از جان گذشته آن کشور نسبت می‌دهد. او میداند که قاره پنهان کردن علاقه مردم کوبا به رهبر انقلاب خود نیست، این روایتها را در روسته هورا کش و با زا رگرم کنسی که "حزب رستا خیز" برپا می‌داشت فرض می‌کند.

بی تردید، متهم کردن سلطانی‌ها به اسن حرم که از کوپورگشتن مردم رها نی می‌یابند، با عست خشم آنهاست. مشکل ایشان اما در آنجا است که نمی‌توان آنها رجم را از زمین برد، حتی اگر چشمهای

آدرین و تاربخ زندان را دارند، به وظایف انتزاعی سیونا لیستی نیز واقف بوده‌اند. اینان در شقیته‌ترین حالت ممکن و در اوج تسلط ناسیو - نالیسم و سلطنت مردم را با نما و آثار بربرشت، لاهوتی، تورسون زاده، ما با کوفسکی، شاملو، لورکا، نرودا، و در زمینه‌های سیاسی با مبارزات مسلسل دیگر آشنا کردند.

و اما در باب جلوه، رزم مشترک در سوره‌های دری زیبا ن افغان:

عبدا للهنا بیبی که در کار بست و آزه‌های زیبا و اشعار حماسی در قالب جدید، مهارت دارد، در شعری که به اشغال گرانادا توسط امپریالیسم امریکای ارتباط دارد، با پنگونه سخن گفته است:

زنی ز قلعه خورشید

- ز چشمواره روزن -

بر آسمان شب آندوده با نگا و نگا شت:

چه روی داد که با زا زگلولی دره فریاد

کیوترا ن سپید

- هراس فاجعه در چشم -

کلاسیک هستند. نمونه‌ها و اصف با ختری در بیمن - شاعران معاصر افغانی که به زبان دری و با ما به - های رمانتیک و سمبولیک می‌سازند، افرادی چون لطیف پدرا مویا ختری و وحیانی دارای محبوبیت بیشتری در افغانستان هستند و نیز عنایت پژوهان، که ما از شاعران خیرالذکر شعری کوتاه می‌آوریم: (و جای تاسف است که از نمونه‌های مجموعه "لحظه‌های معلوب" پدرا م محروم هستیم)

نمیدانم

چگونه خزان

به مهمانی بهار آمده

و نوعروس چمن

در نخستین شب زفاف

کفن سبز پوشیده است.

که شاهرا بیست به سرنوشت انقلاب شور در دیوان

حفیظ الله امین به زعم شاعر.

شاعران معاصر افغانی، در کتا رنبرد برای

تکا مل جامعه خود که در این راه نه فقط قلم‌کسه

قدمها شان نیز در کار بود و اکثر شعرا در پای خود

این سبک، و اصف با ختری است. او در شعری که بهیا نگر نظر اش در این زمینه است و بعدها مدعی عدم تاثیر کلاسیک مل آن شد، ضمن تمجید حافظ در بیمن کلاسیک‌ها به سبکی کلاسیک می‌گوید:

... شاعران یک گروه شعر روز بود

لیک هر یک گفته‌اش فردا نداشت

و آن یکی صداغ رنگین آفرید

و ندر آن ده گلبن بویا نداشت

... و آن یکی نامید شعر خود حریر

لیک جز کرباس نا زیبا نداشت

اوستادان سخنور را سلام

لیک حافظ در این جهان همتا نداشت ...

البته شاعران افغانی از سبک کلاسیک تا حدودی بهره‌جسته و با تقلید کرده‌اند. ولی کیفیت معنایی سوره‌ها شان و نیز شکل اشعارشان، در قالب نوبسیا رباعی لاترا زکارهای اینان در زمینه پیشتر گفته است. سلیمان لایق، با رق شفیعی، عظیم‌شهبال و رازق روشین موفق‌تر از دیگران در سرایش به شیوه

جنبش کارگری و مدل گروهای سرمایه داری

صورت میگیرد که این طبقه برای بدست آوردن حقوق اولیه خود، با بدعلا ز صفر آغاز کند.

جنبش کارگری در سالهای اخیر

با توضیحاتی که فوقاً دادیم، رتدریخ اقتصادی کره ظاهراً با یدرابطی رافراهمی نمود که به مدد آن طبقه، بورژوازی و دولت آن حاضر به دادن سهمیه کارگران از نتایج مادی این توسعه باشند. مقصود مقایسه با آنچه که بویژه در اروپای غربی بعد از جنگ جهانی دوم صورت پذیرفت میباشد. بعد از رشد فوق العاده وبدون اختلال سرمایه داری برای بیش از یک دهه، بورژوازی حاضر شد با دستگیری اثر افیت کارگری و احزاب سوسیال دموکرات سهمی اندک از رفاه بدست آمده را به حساب کارگران واریز نماید. وبدین وسیله شرایط را برای شدت بخشیدن به با آوری کار و انباشت حریفانه سرمایه برای دور آتی تا مین کند. اما چنین مقایسه ای در وضعیت کره جا شسی ندارد. به گمان ما شرایط مبارزه جنبش کارگری کره حتی بعد از "دموکراسی" نیم بند ژنرال "رو" هنوز فرق کیفی با گذشته نداشته و از این لحاظ ما باید مبارزات سال ۱۹۸۷ به این سورا مقدمه مبارزات طولانی و پراهمیتی تلقی کنیم که در راهند. با این ارزیابی که مورد توافق غالب فعالین جنبش کارگری کره است، اکنون نگاهی به مبارزات کارگری کره بویژه مبارزات سال ۱۹۸۷ می اندازیم.

جنبش کارگری کره در تابستان ۱۹۸۷ مرحله مهمی از تکامل خود را آغاز نمود. این جنبش که سالهای متعادی توسط دولت و سرمایه داران با شیوه های پیچیده سرکوب ایدئولوژیک و مادی در خائسه نگاه داشته شده بود، بنحوی که در شهرهای بسزرگ کارگری، هیچگونه سنت مقاومت کارگری وجود نداشت. ناگهان با رتدریخ کمی و کیفی اشکال و دامنه مبارزات کارگری در مرکز مبارزات اجتماعی جا مع کره قرا گرفت.

۵ میلیون کارگری که در تابستان و اوائل پاییز ۱۹۸۷ دست به اعتصاب زدند، غالباً تجربه مبارزاتی ناچیزی داشتند. بسیاری از آنها تا آن زمان در کمتر حرکت کارگری فعالانه شرکت کرده بودند. اعتصاب این کارگران که بعضاً تا آنجا که رخا نه های بزرگ را شامل می شد، نقطه پایانی بر آرایش طولانی مدت در کارخانه ها و معادن گذاشت. تا سپتامبر ۸۷، طبق آمار دولت ۳۳۲۲ مورد مبارزات کارگری ثبت شد و بیش از ۳۰۰۰ کارخانه و اسطه اعتصاب از تولید با زمانندند. در منطقه معدنی "تاشک" ۳۲ معدن بزرگ از مجموعه ۳۲ معدن اعتصاب کردند. تعداد شرکت کنندگان در اعتصاب با توجه به سطح پایین سازماندهی اعتباری، بیش از ۹۰٪ کل کارگران معادن بود. صنایع اتومبیل سازی، کشتی سازی، ابزار سازی، نساجی، بافندگی و کارخانجات متابیه، یعنی کارخانجاتی با بیش از ۱۰۰۰ کارگر به اعتصاب پیوستند. آنتی زدن دفاتر شرکتها و

انتظار میکنند، ناشی از بنیه مالی شکننده شرکت های کره ای است. از این روز، در "مدل کره" هرگونه نا آرامی اجتماعی و کارگری بلنده مدت و با ازدست دادن ناگهانی بازار داخلی و خارجی با ورشکستگی انبوه شرکت های متوسط و کوچک مترادف است. در این "مدل" تدابیر مادی رونده تولید، شرط اساسی حفظ تعادل اقتصادی است و یکی از دلایل سرخستگی بورژوازی کره در مقابل جنبش طبقه کارگر، حیاتی بودن این تدابیر است.

مقررات قانونی نظیر برروابط کار و سرمایه در کره جنوبی قبل از هر چیزی با توجه به نکته فوق تنظیم شده است. در این کشور هنوز حتی پرا از برقرار شدن "دموکراسی"، ایجاد اتحادیه های صنعتی و بازاری و بطور کلی اتحادیه فرا ترا محدودده، یک واحد تولیدی، با منع قانونی روبروست. ایجاد اتحادیه های مستقل صنعتی و سراسری هم اکنون از جمله مهمترین خواسته های جنبش کارگری کره میباشد. در کره جنوبی بطور رسمی حداقل دستمزد وجود ندارد. متوسط دستمزد در این کشور با شین تراز مقداراً به در کلیه کشورهای سرمایه داری جنسوب شرقی آسیا و نیز کشورهای بزرگ سرمایه داری است.

دستمزد متوسط در ساعت	نام کشور
۱۳ دلار	آمریکا
۹/۵ "	ژاپن
۲/۴۷ "	سنگاپور
۱/۸۷ "	هونگ کونگ
۱/۷۱ "	تایوان
۱/۵۵ "	کره جنوبی

با بد توجه داشت در جدول اخیر، متوسط حقوق کارگران صنعتی مورد مباحثه قرا گرفته و دستمزد بسیاری کارگران بخشهای خدمات، نساجی و ... و بویژه کارگران زینکتر از نصف مبلغ فوق است.

کره جنوبی در زمینه سوانح کار، بالاترین آمار را در کلیه کشورهای صنعتی بخود اختصاص داده است. از هر ده کارگر کره ای یک نفر در سال بعلت سوانح کار، با مرگ و یا جراحت جسمی روبرو میشود. در معادن کره سالانه حداقل ۲۰۰ مورد سوانح منجر به مرگ ۶۵۰۰ سانحه با جراحت جدی و ۲۵۰۰ مورد بیماری شدید ریوی ثبت شده است. و این در حالست که الزاماً همه سوانح گزارش نشده و در آمار رگیری منظور نمی شوند. سوانح کار در کره جنوبی بر مبنای آمار رسمی، ده برابر حد معمول در کشورهای صنعتی غرب است.

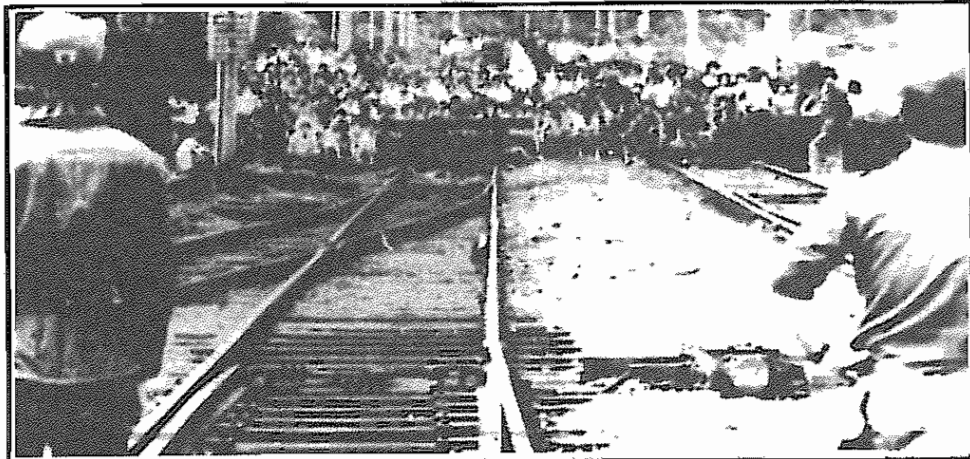
بر آنچه که تاکنون ذکر شد با یدتبا هی وسیع محیط زیست، استفاده از شیوه های مافیاشی سرکوب و ترور کارگران و نیز اضطلال سریع مانت تولیدیسه روستائی که بموجب آن خودکشی دهقانان خانه خراب بدیده منفردی نیست را افزود تا تصویری ابتدائی ونه کامل از شرایط توسعه اقتصادی کره جنوبی بدست آورد. بیکار طبقه کارگر در کره جنوبی در شرایطی

توسعه اقتصادی کره جنوبی در سالهای اخیر همواره مورد توجه خاصی بوده است. "مدل کره" از سوی منادیان سرمایه داری و حتی بسیاری از منتقدان آن، بعنوان مدل ایده آل برای توسعه اقتصادی سریع مورد ستایش قرا گرفته و توجه خاصی به آن برای توجیه به صرفه بودن توسعه سرمایه داری در کشورهای "جهان سوم" بگرا رفته است. بهررسمی جنبش کارگری کره جنوبی بدون نگاهی اجمالی به ماهیت و چهره واقعی "مدل کره" بمختی مقدور است. از این روستا ار اشته، تصویری از جنبش کارگری کره که در حوادث سیاسی دو سال گذشته در مرکز تحولات قرار داشت لازم است. ابتدا در مورد توسعه اقتصادی کره و با مطلق "معجزه اقتصادی" در این کشور مکتب کنیم. مهمترین مشخصه مدل توسعه اقتصاد کره جنوبی، نرخ رشد نسبتاً بالای توسعه اقتصادی است. در مدتی نزدیک به سی سال کشور کره جنوبی، علیرغم عدم برخورداری از منابع انرژی ارزان بعنوان منبعی برای انباشت اولیه سرمایه و حتی مواد خام قابل ملاحظه دیگر، از نظر اقتصادی تبدیل به نیروی شده است که بلحاظ مولفه های اساسی تولید صنعتی و نیز بلحاظ راندمان کار و سطح عمومی تکنولوژیک با کشورهای بزرگ صنعتی غرب قابل مقایسه است. این رشد سرمایه و ورچگونه ممکن شده است؟ توسعه اقتصادی کره جنوبی با اتکاء به قروض خارجی سرسام آور، استفاده وسیع از تکنولوژی وارداتی و بکارگیری موثر آن، از همه مهمترین تحت شرایط استبداد آسیا هی که به مدد آن توده طبقه کارگر بعنوان برده وبدون حقوق اولیه سیاسی و اجتماعی به کار واداشته شده است، صورت پذیرفته است. شرکت های بزرگ کره ای که بعضاً اکنون در ردیف غولهای چند ملیتی قرا ردا رتد، بدون این شرایط به هیچ وجه نمی توانستند در مدت کوتاهی از حد دستیاران شرکت های آمریکا شسی و ژاپنی به قدر قیای آنها رشد کنند. شرکت های نظیر "سامونگ" و "هیووندا" هم اکنون با تولید سالانه نزدیک به ۱۴ میلیارد (واحد پول کره) معادل نزدیک به دو میلیارد دلار، عملاً همراه با ده شرکت کوچکتر کره ای، زندگی اقتصادی این کشور را بطور همه جانبه تحت کنترل دارند. این شرکتها که مثل رقبای ژاپنی خود، توسط خانواده های ثروتمند کره ای کنترل میشوند، با در اختیار داشتن اهرمهای اقتصادی و سیاسی - اجتماعی موثر نمیتوانند هزاران شرت متوسط و کوچک کره ای را در جهت منافع خود بحرکت در آورند. این شرکتها و بویژه انبوه شرکت های کوچک کره ای بلحاظ مالی به شدت آسیب پذیرند، زیرا توسعه اقتصادی کره تا بر رگسترش سریع ظرفیت های تولیدی با اتکاء به سرمایه اولیه نسبتاً ناچیز و درکنار آن استفاده وسیع از عبارات حای و قروض بلنده مدت و کوتاه مدت است. بدیده عدم پرداخت بموقع دستمزد که حتی از سوی شرکت های بزرگ کره ای نیز عملی میشود و بواسطه آن بسیاری از کارگران با ید ما هها برای دریافت حقوق خود

جنبش کارگری و...

اداره‌های کاروتنبیه رهبران اتحادیه‌های زرد به محنه‌ای عادی تبدیل شد. کودکان، زنان و مردان کارگر و نه به‌اشغال جا ده‌ها خطوط آهن دست‌زده و در مقابل ساختن نهادهای دولتی به اعتراض تجمع می نمودند. بطور خلاصه، کمیت و کیفیت اعتراضات، آنها را به یک اعتراض سیاسی عمومی، اعتراضی که برای کارگران و سرمایه داران هر دو غیرمنتظره

کارگری و دستگیری رهبران این جنبش شروع شد. نزدیک به ۹۰۰ نفر از رهبران محلی و منطقه‌ای کارخانه‌ها دستگیر شدند. در موارد بسیار ایست دستگیریها یک روز قبل از انتخابات صورت گرفته و به مدیریت امکان میداد که پاره‌ای از چهره‌های سرشناس کارگری را از امکان انتخاب شدن بیرون بماند. رهبران سندیکا‌های جدید، محروم گشتند. به علاوه رهبران کارگری که خواهان گسترش دامنه



و بنا بر آن بود، تبدیل نمودند. رویای آدامس آرا من گذشته با بوسی تجربه نشده برای سرمایه داران و دولت تبدیل شد.

همزمانی اعتراضات با مبارزات دانشجویی که بلحاظ سیاسی از مبارزات کارگری پیشروتر بود و ایضا دتوده‌ای اعتصاب از یکسو و خوتوت دانشماری و افزایش کارگران اعتصابی که با سرعتی باور نکردنی روحیه فرما نبرداری را از دست داده و اشکال خشن مبارزه را در ایضا دوسیع تجربه می نمودند، دولت و سرمایه داران را مجبور به عقب نشینی های سریع و بعضا قابل ملاحظه نمودند. در حرف کلیه خواسته‌های اعتصابیون برای تحقق فوری و با کوتاه مدت پذیرفته شد. گرچه در عمل اینطور نبود. این خواسته‌ها کدام بودند؟ افزایش دستمزد ما هیانه به مبلغ ۴۵۰۰۰ - ۴۰۰، "ون"، برچیدن سندیکا‌های قلابی و برسمیت شناختن حق ایجاد سندیکا‌های مستقل و سراسری، کم کردن ساعات کار - بویژه در معادن، برچیدن کارگاه کارگری، بهبود حقوق بازنشستگی و سایر مزایای اجتماعی، حقوق برابر برای کارگران زن و مرد و رفع تبعیض برای زنان کارگر و ...

مهمترین عقب نشینی دولت در زمینه دستمزد بود که با پذیرش ۲٪ افزایش دستمزد، به خواست کارگران تا حد زیادی گردن گذاشت، تشکیلات اتحادیه‌های مستقل در سطح کارخانه‌ها رسماً مجاز شد و قرار شد که بزودی برای حدود ۶۰۰۰ سندیکا‌های جدید انتخابات شود. در عمل اما این خواسته بعد از مدتی به شدت سرکوب شد.

این سرکوب با استفاده از شیوه‌های شناخته شده صورت گرفته و این هدف را دنبال میکرد که سندیکا‌های جدید و سندیکا‌های زرد تا کنونی که می بایست بصورت دموکراتیک توسط کارگران کنترل شود، بیش از حد نیرومند و خطرناک نشوند. بلافاصله بعد از اعلام و فاع عادی، اخراج فعالین جنبش

فعالیت سندیکا‌های بود و در ایضا عنا صغیر کارگری که در مبارزات کارگری به جنبش یاری می رساندند. به بهانه "دخالته غیر قانونی فردنا لست" در مبارزات کارگری دستگیر و زندانی شدند. هرگاه که دستگیری چهره‌های سرشناس عملی نبود، تنبیه آنها توسط کارخانه‌ها و حتی خارج از محل کار به امری عادی تبدیل شد. این اقدام در مورد زنان کارگر به شدت بیشتری صورت گرفت. در کنارتا کتیک سرکوب و تقلب در انتخابات سندیکا‌ها، سرمایه داران سادت به تلاش برای خرید رهبران کارگری روی آوردند. این تلاش در موسسات بزرگ حتی شامل کارگران اخراجی و زندانی نیز شده و آنها پس از چندین مزه تنبیه اسر امکان را می یافتند تا از سوی کارخانه‌ها دوره‌های آموزشی برای ارتقاء توانائی‌های کاری خود کسب شده و در بازگشت با حقوق بهتری استخدام شوند.

بطور خلاصه با زپس گرفتن بخشی از دستاوردهای اعتراضات سال ۱۹۸۷ با شیوه سرکوب، تحمیل و تنظیم صورت گرفته و این شیوه‌ها به علت سطح پایین تجربه مبارزاتی و آگاهی سیاسی کارگران، بسیار بیشتر از حد معمول موثر افتادند. در عین حال مهمترین دستاورد جنبش کارگری قابل بازپس گرفته شدن نبودند. این دستاوردها کدامند؟ مهمترین از همه بلوغ هویت طبقاتی کارگری، جس تعلق به توده زحمتکش و نیرومندی که میتواند نزدیک نتایج سالها سرکوب آید. تئولوژیک و فیزیکی را خنثی کرده و دشمن را به عقب نشینی وادارد. قابل ذکر هستند. کارگران در مبارزات خود برای اولین بار، در مقابل ارزشهای ارتجاعی و پیدرسلارانه جامعه سرمایه دار، ارزشهای ملی و سنتی که سالیان متعادی برای حفظ آرا من تبلیغ شده بودند، و در مقابل یکی از هارترین و فداگمنانترین رژیمهای سرمایه داری جهان، هویت طبقاتی خود را یافته و در مقابل بهت و ناباوری حامیان و مدافعان نظم سرمایه داری، در مقابل آنها

ایستادند. عقب نشینی دولت و سرمایه داران و امیر - با لیزم آمریکا در مقابل جنبش کارگری اما با بدلیل نگرانی از تحکیم و رونق فوق صورت گرفت و البته نتایج اقتصادی کمتر شدن اعتمادات برای اقتصاد گره که میتواند به رکود عمومی و ورشکستگی مالی بسیاری از واحدهای تولیدی منجر شود نیز مطرح بودند. به علاوه پرورش یک نسل از رهبران کارگری در گراما گرم مبارزات ناسایدفرا موش شود. این رهبران که علیرغم سرکوبها و با اقدامات بعدی، جملای ممتاز خود را بعنوان قشر پیشرو کارگری هنوز حفظ کرده اند، کمائی هستند که تا کنون مبارزات بعدی کارگران را رهبری نموده و شعارهای اساسی آنها همچنان دنبال میکنند. در واقع نیز از زمان خاتمه اعتراضات سال ۸۷ به این سو، جنبش کارگری کسره از شب و تاب نیفتاده است و این قبل از همه مدیسون کارگران پیشروی است که به اهداف این جنبش وفا دار بوده و آنها در شرایط دموکراسی نیمه بند کنونی همچنان ادامه میدهند. همه اقدامات مخفیانه کارگری - اقداماتی که تا قبل از ۱۹۸۷ با بقیه نداشته اند - از قبیل ایجاد محافظ کارگری، تهیه و پخش اعلامیه در مورد خواسته‌های کارگران و مبارزات نیمه علنی، به رهبری آنها و نه گروههای سیاسی چپ صورت گرفته است.

جنبش کارگری گره اکنون دوره مهم تجدید آرایش خود را پینا را تکا، بیشتر به کارما زمانیاخته مخفی و نیمه علنی را می گذراند و اگر روند با زپس گرفته شدن دموکراسی نیمه بند همچنان ادامه یابد و تعرض به جنبش کارگری با صراحت بیشتری دنبال شود، با زپس راندن قطعی آن غیر ممکن خواهد بود. هرگونه تعرض به این جنبش از سوی دولت و سرمایه داران اما با مضمونی دفاعی داشته و به هدف جلوگیری از پیشروی آن خواهد بود.

نتیجه با...
به ناکرانه پرواز
خروش گریه، رنگارنگ میبرند؟
چهره‌های دادگاه باز
زمینیان گل خونبرگ را ز جمره چاشت
به ارمان شفق سار می برند!

تهیه کننده این مطلب، دچا رچنان مضیقهای از لحاظ منابع شعری بود که شاید عدم تهیه آن مناسب ترمی بود. واگر نه ضروری تر، در اینجا شایسته است که از نقش پرآینده پدرام دو با ره گفت، افراد دیگری نیز در عرصه شعردری جایگاه از آن خود ساختند چون پژمان، الهام، پنجشیری، قویم، طغیان و ... اما متأسفانه نامزن شاعر دولیت مابدلیل واقم و نه فراموشکاری نیست که این امر نفرت ما را از عقب ماندگی و بوسیدگی سلطنت و فتوادلیم صد چندان میکند.

مسافری از کابل
پا ورتی:
(۱) دکتر سدا لله حبیب کوری است دانشگاه کابل را نیز بجهدها دارد، بیشتر در زمینه داستان نویسی موفق است تا در شعر.

آلمان فدرال: درگیری درناشو

ات طرفین و از جمله طی دسدها را رگارت تا حرنخست و زرا انگلستان از آلمان، طرفین به موضع مشترکی دست نیا فتند و اس در حالست که اکنون اکثر مردم آلمان جوانان ادا معلق سلاح، برچیدن قطعی موکهای سردکوتا و مذاکره در مورد کاهش نیروهای نظامی ناتو و ویشو میباشند. تاکنون تروژ، سلزسک لوکزا مورگ، یونان، اسپانیا و استالسا کم و بیش ارمواض آلمان حانیداری کرده اند.

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در آلمان فدرال

سوسیال دمکراتها حکومت میشود، تحت فشار افکار عمومی، دولت اس انا لتها علائمی از آما دگسی برای پذیرش با راهی از خواسته های زندانیان از خود نشان داده و البته در عمل هیچ اقدامی صورت نگرفته است. اعترافات وسیع در شهرهای مختلف آلمان و از جمله نظهرات عظیم در تاریخ ۲۹ آوریل درین، موجب شده است که از کوهه گرا بسات دمکراتیک و ترقیخواه در آلمان متحد ابرخواست با بیان دادن به حسن انفرادی یا فشاری شامبندوا زسوی دیگر احزاب دست راستی در موضع تدا فنی قرار گیرند. با این همه بعدد نظر میرسد که حضرات مدافعین حقوق بشر تا قبل از مرگ با راهی از زندانیان اعتباری حاضر باشند که در مورد خواسته های زندانیان مذاکره کنند زیرا حسن مذاکره ای موجب سرخوردگی بیشتر گرا بسات راست و ضد کمونستی که اکنون بسوی احزاب فاشیستی در حال رشد تاجا بیل پیدا میکنند میشود و احزاب راست را بیش از پیش تضعیف میکند. دفاع از خواسته های زندانیان سیاسی آلمان، وظیفه همه نیروهای مترقی است، رفقای ما نیز همگام با سایر نیروها، مسابست ضمن حانیداری از اس خواسته ها، ما هیت واقعی دولتینای سوزوئی را اقاا کنند.

فرانسس:

با سرعرفات رهبرسا زمان آزادی بخشش فلسطین، رسما از فرانسه دیدار نمود. وی در این دیدار که به مثابه هر دولت فلسطین صورت گرفت با میتران گفتگو نمود و از حانه بهبودان فرانسه خواست که با پذیرش بی نتیجه بودن چهل سال جنگ به رهبران اسرائیل در مورد مذاکره با سازمان آزاد بخش فشار وارد کنند. حانه بهبودیا فرانسس طی دسدها روی سده و گروه بزرگ موافقان و مخالفان مذاکره تقسیم شده و گروه اخیرا اقدام به سرگزازی نظهرات اعترافی بر علیه عرفات نمود. همچنین عرفات آن بخش از "میتاق فلسطینی ها" را که متوجه از بین بردن اسرائیل بوده و در سال ۶۸ تهیه شده باطل اعلام کرد.

کامبوج:

در دیدار سن سپهانوک و هون سن نخست وزسو کامبوج که در اندونزی صورت گرفت، طرفین به توافقات مهمی دست یافتند که از جمله تغییر نام و پرچم کامبوج به وضعیت سابق آن و انتخاب سپهانوک

● اختلافات بین دولت آلمان با باره ای از کشور - های عضو ناتو در آس آنها آمریکا و انگلستان در مورد مدرنیزه کردن موکهای سردکوتا همچنان ادا مدها رد. در حالیکه دولت آلمان خواهان تصمیم گیری در اس مورد تا قبل از سال ۱۹۹۲ نیست، آمریکا و انگلستان خواهان تولید موکهای جدیدی با سرد ۵۰۰ کیلومتر که در عمل های موکهای سان برد در حال سرچیده شدن را خواهند گرفت میباشند. در مذاکره

● اعتصاب غذای زندانیان سیاسی وابسته به گروه با درما بنهوف و گروه های مشابه همچنان ادامه دارد. این اعتصاب که اکنون وارد سومین ماه خود میشود با خواسته های زیر شروع شده است: با بیان دادن به حسن انفرادی زندانیان و جمع کردن آنها در یک سادو گروه بزرگ، با بیان حکومت برای زندانیانی که بدلائل مختلف دیگر قاردها ادا مده دوره حکومت خود نیستند و آزادی زندانیان برای تماس با گروه های سیاسی خارج از زندان. اعتصاب موق که با پیوستن زندانیان به آن صورت تدریجی شروع شد، بصورت یکی از مهمترین مسائل سیاسی حانه آلمان در آمده است. در واقع سز خواسته های زندانیان که چیزی سحر شرایط حسن معمولی نیست، چهره ربا کار حقوق سمر مورد ادعای احزاب سوزوئی آلمان و ما هیت زندانیانی دستگناه سرکوب و شکنجه دولت این کشور را خوبی افشا کرده است. تاکنون احزاب کامک حانه ضربه هجگونه عقب نشینی در مقابل زندانیان نشده اند و اسن در حالست که دیسرا از آنها با قطع موقتی اعتصاب خود ستوان حسن نسبت، مذاکره در مورد خواسته های خود و سایر برهم زمانان را ستوان تیا راه حسیل ممکن اعلام نموده اند. تنها در انا لتها تی که توسط

مجارستان:

● دولت مجارستان اعلام نمود که موانع سرزی بین این کشور و تریش تا سال ۱۹۹۰ کاملا بر حیده شده و تیا علام سرزی معمول باقی خواهند ماند. در پی اس تصمیم در باره ای از مناطق سرسوی های مرزی و اهالی محلی کار برچیدن موانع را شروع کرده اند. وزیر داخلی مجارستان قبلا اظهار نموده بود که موانع مرزی از نظر تاریخی، سیاسی و تکنیکی دیگر غیر ضروری هستند. ساظران غربیسی اقدام دولت مجارستان را گامی در جهت سهود روابط با غرب و با تریش قلمداد نموده و از آن استقبال کرده اند.

همچنین دولت مجارستان با تحدید نظر در مورد ماهیت جنش اعترافی ۱۹۵۶ و شروع سرری محدود محاکمات آن زمان، به انتقاد از سسوه برخورد سسا مخالفان داخلی پرداخته است. چند ماه پیش اجلاس کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگران مجارستان بهضت اعترافی سال ۱۹۵۶ را یک جنش اعترافی توده ای با خواسته های برحق که در انتها کار اکثر فدوسا لستی بخود گرفت، نا مید.

ستوان بالاترس مقام دولتی را ستوان نام برد. قرا است که یک کنفرانس بین المللی برای حل قطعی مساله خروج نیروهای ویتنامی نیز تشکیل شود. این نیروها میباشند در شش ماه آینده خارج شوند. دولت کاموج حاضر به پذیرش درخواست سپهانوک در انا لتها خود شده و در عوض وی را دعوت به سرکت در دولت نمود. با راهی از ناظران سیاسی این دسدها را به لحاظ استگنا حتمالا توافق بسس دولت کاموج و سایر سرسروهای اوسوسبون سدون حمراهی سرخ قطعی شده است را مهیا ربا سی میکند، اگرچه معلوم نیست که مسئله کاموج بدون حمراهی سرخ براحتی حل شود.

اخبار کوتاه

● سرطق اعلام جبهه آزادی سخن فارا بوندو - مارتی در انا لتها لودا ور، در ماه آوریل سعلت شدت یافتن حملات حربی که به مواج ارتش، حدود ۵۸۰ نفر از نیروهای دولتی کشته و زخمی شده اند. از اواسط ماه مارس تاکنون حوچه های مرگ در انا لتها دور ۱۹۲ نفر از فعالین جنش توده ای و دموکراتیک را به قتل رسانده اند.

● در حوچه های سرسوت همچنان ادا مدها رد و این در حالست که چانه عرب در طاس خود سرای احرای آتس سر تصمیم به فرستادن چند مدرسا از کشورهای عربی ستوان ناظر سرای آتس سر مورد توافق طرفین قرا گرفته است.

● در اجلاس کمیته مرکزی حزب کمونسست شوروی، صد وده نفر از اعضای اس کمیته با زنشسته شدند. با اس افا دام که تا مل نزدیک به ۱۰۰ اعضای کمیته مرکزی نما سرزگی از گارد قدس حزب های خود را با اعضای حوان کاندید کمیته مرکزی تعویض نمودند.

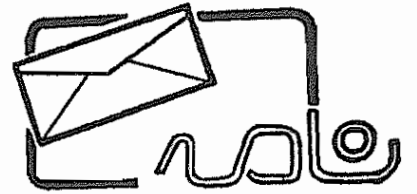
● دولت کره شس نفر از رهبران دانشجویان را سه انا تم قتل عمد و آتش زدن محاکمه خواهند نمود. اس عدها حتمالا بمرگ محکوم خواهند شد. دولت ژسرال "رو" شهید نموده است که در صورت تدا و منا آرامهای اجتماعی، حالت فوق العاده اعلام خواهد نمود.

سوئد - استکهلم: نظهرات علیه

حضور نظها می آمریکا در انا لتها لودا دور

● در تاریخ ۱۶ مارس ۱۹۸۹ دعوت کمیته همبستگی با انا لتها لودا در بنام "کاماسا تی" متشکل از ۲۷ حزب سیاسی از کشورهای گوناگون که واحد استکهلم سا زمان ما نیز از اعضای آن میباشد نظهراتی علیه حضور نظها می آمریکا در انا لتها لودا دور سرگزایر گردید. این نظهرات هزار نفره از میدان مرکزی شهر آغا زودر مقابل سفارت آمریکا در استکهلم با بیان یافت.





نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را مشترک شوید!

برای اشتراک نشریات سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) فرم زیر را پر کرده همراه با معادل هزینه اشتراک، رسید بانکی پرداخت ویا وجه نقد به آدرس زیر ارسال نمائید.

نام نشریه	مدت اشتراک	اروپا	آمریکا و سایر نقاط با پست هوآشی
راه کارگر ارگان سیاسی سازمان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۵ مارک ۵۰ "	۳۱ مارک ۶۲ "
راه کارگر بین المللی راه کارگر بزبان انگلیسی (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۸ مارک ۱۶ "	۱۰ مارک ۲۰ "
پیام کارگر ارگان کمیته خارج از کشور (۱۵روزه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۲۸ مارک ۵۶ "	۳۳ مارک ۶۶ "
رهگای کریکار ارگان کمیته گردستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۳ مارک ۲۶ "
کاری راه ارگان کمیته بلوچستان (ماهانه)	<input type="checkbox"/> شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال	۱۱ مارک ۲۲ "	۱۳ مارک ۲۶ "

شماره حساب بانکی: آدرس:

Postfach 650226
1 BERLIN 65

H. Soltanzadeh
Deutsche Bank Berlin
Bankleitzahl - 100700000 -
Konto-Nr: 5208533

نامونشانی کامل مشترک:

الظفا تفسیرنشانی تان را اطلاع دهید!

.....
.....

معرفی نشریه

های پناهنده، نشریه "کانون دمکراتیک پناهنندگان و آوارگان" است که هدفش شان سازماندهی پناهنندگان و آوارگان ایرانی برای مبارزه در راه حقوق دمکراتیک خود و پشتیبانی از جنبش مقاومت مردمکشورمان در ایران است. از این دوستان میخواهیم که انتشارات خود را مرتب به آدرس ما در آلمان بفرستند. در آینده تلاش خواهیم کرد که نقد خود را نسبت به این نشریه در پیام کارگر درج کنیم.

پناهنده، نشریه "کانون دمکراتیک پناهنندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه" است که شماره اول آن تاریخ دسامبر ۱۹۸۸ را بر خود دارد. این نشریه شامل مطالب زیر است: اعدا مجنایان پناهنده، مشکلات سیاسی در ایران، وضعیت ناگوار اقتصادی و مشکلات مالی پناهنندگان و آوارگان ایرانی در ترکیه، نقد دیدگاههای شورای پناهنندگان و آوارگان ایرانی - ترکیه، اخبار و برخی مطالب دیگر. این نشریه واحتمالاً نشریات مشابه نشان دهنده پانگیری تشکیل.

رفقای مسئول پیام کارگر

در شماره ۲۵ پیام کارگر صفحه ۱۰ "ستون آزاد" مطلبی درج گردیده از خانمی سنام "میترا"، وظیفه خود میداند که در پاسخ به نظریات ایشان چند خطی به اختتام ر قلم زنم.

در آغاز با بدگفت "پیام کارگر" که برایشان نشی عنوان ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را دارد و نشرچنین مقاله به محتوای درکنار آنهمه مقالات خوب بر محتوا، آنهم در شماره ای که میتوان آنرا بجزئیات برای داشتن مفاد مبنی نایش شمار و سؤ خواهد خطای سزرگی مرتکب شده است.

پیام کارگر که ماهی دوما منتشر میشود با بد بیانگر خواسته های سیاسی - اجتماعی و انقلابی کارگران و مردم زحمتکش ایران با تدوین رند درک و اندیشه انقلابی آنان یاری رساند. بر همین روال "ستون آزاد" نیز با بدبهرمان اسده و آرسنان "راه کارگر" جلوه نمایند و نه جز آن. همین کاریا به اساس مبارزه است که با بد از درج مطالبی که بر مینای تمنیات و روحیات فردی نوشته میشود، و غیر حدیث نفس نیست، حذر کرد.

مسئله معض "خانواده و ازدواج" یک مسأله مهم سیاسی واجتماعی است که میتواند فقط و فقط بر اساس درک علمی و سیاسی از جامعه و منجمله جامعه ایران دریاقت ونگاشته شود. با بد از نویسنه مذکور پرسید آیا میتوان به ملتی اسپر در جنگال آخوندیسم فرشتون چنین مطلب دست چندی را تحویل داد آنهم در کشوری که مردوزنش سر نوشت مشترکسی دارند و سارت زنانش نه دیروز و امروز بلکه قرن - هاست که تداوم داشته و امروز نیز در چینی که خمینی آفریده دارند میسوزند؟

آیا تمام مسائل زندگی اعمال طبقه ای، سیاسی واجتماعی حل شده و تنها همین مشکل پیش پا افتاده "ستم جنسی" بجا مانده است که آنرا همایشان، آنهم بدینگونه بی مسما، با عینک شخصی خودشان و نه زنان ایران، میخواهند حل کنند؟

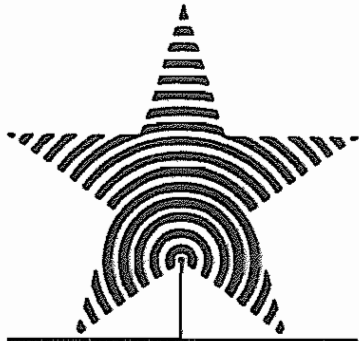
من "میترا" را به مقاله علمی و فلسفی دفاعیه کارل مارکس از مانیفست براه اعتبارش پیرا مسون مسائل طبقه ای واجتماعی جهان و از جمله ستم دیدگی زنان و نیز به کتاب "منشا خانواده" انگلس حواله میدهم که شیوه نگارش مقالات علمی واجتماعی را بیاموزند. تا آزاد اندیشی را اینگونه ساده و سهل نیانگارند، که علاج درد ستم قرنهای یک شده ویا در طول عمر یک نسل نمیتوان حل کرد.

ایران نوگه

رفیق عزیزم، من! نقد شما بر کتاب "پروا زدرجاه" نوشته محمود فلکی رسید. در شماره های آینده آنرا استفساده خواهم کرد.

کمکهای مالی

ظفر	۱۰۰	عبداله	۳۶۰	کرون	غ - ر	۵۰	مارک
امیرشماره ۱۰	۴۰	مازیار	۱۱۰	"	س - س	۵۰	"
ک - م	۵۰	عادل	۳۲۰	"	س - ه	۵۰	"
ن - ه	۲۰۰	رحمت	۱۱۰	"	ظفر	۱۰۰	"
س - ک	۶۰	آراز	۲۲۰	"	شماره ۱۰	۴۰	"
ف - ر	۴۰	دآراب	۲۱۰	"	ک - م	۲۰	"
ق - د	۵۰	هما یون	۲۳۰	"	ق - د	۵۰	"
۶۰ سوشیس	۲۰۰	فلاحات	۱۵۰	"	پروانه	۵۰	"
رفیق طاهر	۵۴ - م		۲۵۰	"			



عملیات پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر

مزدوران جاش و جندالله به کمین پیشمرگان افتادند!

کارگران، زحمتکشان، خلق رزمنده کرد!

پیشمرگان قهرمان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمناسبت فرا رسیدن یکم و سومین سالگرد اول ماه مه روز جهانی کارگر تصمیم به یک جوله نظامی در منطقه سردشت گرفتند. در این جوله پیشمرگان سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مزدوران جندالله و جاش در منطقه سردشت را در راه خود نداشتند. بنا به اطلاعات و اخبار رسیده به پیشمرگان، اخیرا بیش از ۳۰۰ تن از مزدوران جاش و جندالله بخاطر کنترل پلیسی رفت و آمدها لی منطقه سردشت و کاروان چیان و دام گذاری برای پیشمرگان، به منطقه گانی زردآب و توابع سردشت آمده بودند و به اشکال مختلف اهالی و زحمتکش این منطقه را مورد آزار و اذیت قرار میدادند و از این رو پیشمرگان قهرمان سازمان ما خود را برای ضربه زدن به مزدوران رژیم آماده میکنند.

در تاریخ ۶ اردیبهشت ۶۸ دسته ای از پیشمرگان سازمان در محلی بنام "زینوی شینان" اقدام به کمین گذاری برای مزدوران جاش و جندالله میکنند. در ساعت ۶/۴۵ دقیقه بعد از ظهر بیش از ۵۰ تن از مزدوران جاش و جندالله از یکجا خارج شده و بطرف محل کمین شروع به پیشروی میکنند. پیشمرگان با آمادگی کامل منتظر میشوند تا مزدوران رژیم کما ملاحظه نزدیکشان برسند در ساعت ۷/۳۰ دقیقه مزدوران به نزدیکترین نقطه محل کمین گذاری در "زینوی شینان" رسیدند. بدستور فرمانده عملیات پیشمرگان با انواع سلاحهای سبک و نیمه سنگین بسوی آنان آتش گشودند. در دقیقه آغازین عملیات مزدوران خود فروخته رژیم قمار به هیچگونه عکس العملی نشدند. آنگاه مزدوران همراه با مزدوران مستقر در یکجا، پیشمرگان را با انواع سلاحهای سنگین و نیمه سنگین بزرگ آتش گرفتند. درگیری پیشمرگان با مزدوران رژیم بمدت ۵ دقیقه ادامه داشت. در طی این عملیات تلفاتی به مزدوران جاش و جندالله وارد آمد که از آن اطلاعی در دست نیست. پیشمرگان قهرمان سازمان پس از اتمام موفقیت آمیز عملیات بدون هیچگونه آسیبی منطقه درگیری را ترک کرده و بسه ما موریت انقلابی خود را با ما دادند.

زنده باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!

سرتنگون با جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!
زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) - کمیته کردستان

۹ اردیبهشت ۶۸

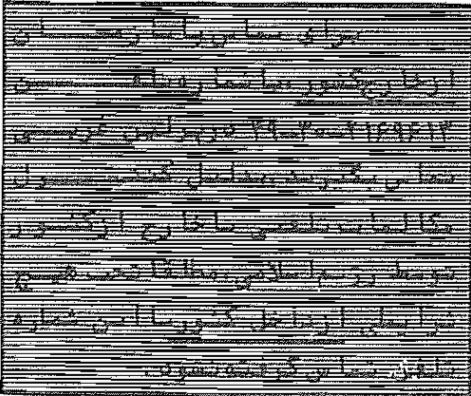
صدای کارگر
راه ایوبی سازمان کارگران انقلابی ایران در راه کارگر

برنا مه های سرتا سری صدای کارگر:

- هر روز ساعت ۱/۵ عصر روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش میگردد.
- این برنا مه ساعت ۱/۸ همان شب و ساعت ۷ صبح روز بعد مجددا تکرار میشود.
- جمعه ها برنا مه ویژه پخش میگردد.

برنا مه های صدای کارگر ویژه کردستان:

- روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر بزبان کردی و فارسی روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هرتز پخش میشود. همین برنا مه روزهای یکشنبه، سه شنبه و پنجشنبه ساعت ۴ تکرار میگردد.
- جمعه ها ساعت ۹ صبح برنا مه ویژه پخش میشود. این برنا مه ساعت ۴ بعد از ظهر جمعه تکرار میگردد.



ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE

POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY

پرلین غربی :

ما رش عزا

بمناسبت روز جهانی اعدا م شدگان

در روز ۲۵ آوریل ۱۹۸۹، بمناسبت روز جهانی اعدا م شدگان سراسر دنیا، از طرف عفو بین الملل نظا هراتی سازماندهی شد که در آن حدود ۲۰۰۰ نفر آلمانی و خارجی شرکت کرده بودند. نظا هرکنسندگان در طول مسیروا هیماشی، پلاکاردها، تراکها، سا می اعدا م شدگان سال ۱۹۸۸ در سراسر دنیا سا اسم و کشور مشخص روی آن نوشته شده بود حمل نمکروند. در پاریس نظا هرات از طرف عفو بین الملل، بنامه هائی در حکومت حکما عدا مودرا عتراف به آن خوانده شد.

زنان اسرائیلی مقیم پرلین غربی نیز در اعتراض به اعدا م زندانیا ن سیاسی در ایران و سلاخص اعتراض به وضعیت ۸۳ زندانی که در حال حاضر خطر مرگ آنها را تهدید میکند، با یک پلاکاره در بزرگه روی آن "خطرا عدا م ۸۳ زن زندانی در ایران را تهدید میکند" نوشته شده بود، در این راه هیماشی شرکت کردند.

همچنین اعلامیه ای در این رابطه نیز در طول مسیروا هیماشی پخش نمودند. شرکت تعداد دوسه زنان و مردان ایرانی در این نظا هرات چشمگیر نبود. عفو بین الملل از تمامی شرکت کنندگان خواسته بود که با لباس مشکی در راه هیماشی شرکت کنند که اکثر شرکت کنندگان چنین کرده بودند. این مراسم از کانال اول تلویزیون آلمان فدرال پخش شد. علت شرکت کمتره زنان ایرانی در این مراسم ما رش سازماندهی حرکت آنها از قبل توسط کمیته ای از زنان ایرانی بود که بعد از اعلام در خطر بودن جان ۸۳ زن زندانی و بدنبال نشستها و اقداماتی در استمورد شکل گرفته بود. این اعدا م بجای زنان ایرانی نشان داد که اگر بتا نسل زنان نخوسی سازمان یافته جاری شود نقش مهمی در حرکات و جنبش های میا هرتین در خارج از کشور خواهد داشت.